

تاریخ :

وقت : دقیقه

نام و نام خانوادگی :

تعداد سوالات: ۱۲۰

سریال ۱۱۹۸۶۴

بهنام اسماعیلی

موضوع عربی جامع (× ترجمه و تعریب، ترجمه، × ترجمه و تعریب، تعریب، × ترجمه و تعریب، تشخیص مفهوم)

۱. عین الأصحّ و الأدقّ في الأوجية للترجمة :

"لماذا نسيبت أن تردّ الكتاب الذي استعرتّه من المكتبة، و لم تضعه في مكانه؟! "

(۱) به چه علت کتابی را از کتابخانه به امانت گرفتی و فراموش کردی آن را مسترد داری و در مکان خود قرار ندادی؟!

(۲) چرا کتابی را که از کتابخانه به امانت گرفتی فراموش کردی برگردانی، و آن را در جای خود قرار ندادی؟!

(۳) چرا کتابی را که از کتابخانه به عاریت گرفتی، فراموش کرده ای آن را مسترد داری و در مکان خود قرار دهی؟!

(۴) به چه دلیل کتابی را که از کتابخانه گرفتی، فراموش کردی به آنجا برگردانی و در جای خود قرار دهی؟!

-سراسری- ۱۳۹۱

۲. "مَنْ جَدَّ وَجَد". عین الخطأ في المفهوم:

(۱) تا شب نروی روز به منزل نرسی!

(۲) نیابد مراد آنکه جوینده نیست!

(۳) من طلب العلی سهر اللیالی

(۴) من يعمل مثقال ذرة خیراً یره!

-سراسری- ۱۳۹۱

۳. "توانایی انسان موفق در شکار لحظه هاست؛ چه ، فرصت های دست نیافتنی برای همه ی مردم پیش می آید!" عین الصحيح في التعریب:

(۱) قدرة الإنسان الناجح هو أن تصيد اللحظات، و إلاّ الفرص الثمينة تحدث لكلّ إنسان!

(۲) مهارة الإنسان الناجح في صيد اللحظات ، فالفرص النادرة تحدث لجميع الناس!

(۳) تأتي الفرص الثمينة لجميع الناس، ولكن لا يستفيد منها إلاّ الناجح!

(۴) تحصل الفرص النادرة لكلّ الناس و لكنّ الناجح من یقتنصها!

-سراسری- ۱۳۹۱

۴. عین الخطأ:

(۱) دانش آموزان آمدند تا نتیجه ی کار خود را ببینند: جاء التلاميذ حتى يشاهدوا نتيجة عملهم،

(۲) نتایج امتحانات در پایان سال تحصیلی اعلام شد: أعلنت نتائج الامتحانات في نهاية السنة الدراسية،

(۳) بسیاری از آنها به دلیل موفقیت در امتحانات خوشحال شدند: كثير منهم أصبح فرحون بسبب نجاحهم في الامتحانات،

(۴) اما این خوشحالی شامل تعدادی از آنها نشد! : ولكنّ هذا الفرح لم يشمل عدداً منهم

-سراسری- ۱۳۹۱

۵. للترجمة:

«يا عباد الله ! لا تحزنوا فأنتم في أعلي درجة إن كنتم محبين له !» : ای بندگان خدا

(۱) هیچگاه غمگین مشوید در حالی که در بالاترین مرتبه اید تا زمانی که دوستدار او هستید!

(۲) هرگز غم مخورید ، چه شما اگر و را دوست بدارید در بالاترین درجات قرار می گیرید!

(۳) غمگین مشوید در حالی که در بهترین مراتب هستید اگر دوستدار وی باشید!

(۴) غم مخورید ، چه شما اگر دوستدار او باشید در برترین مرتبه هستید!

-سراسری- ۱۳۸۷

۶. عین الأقرب إلى مفهوم البيت : لا تقل أصلي و فصلي أبداً

(۱) بقدر الكد تكتسب المعالي !

(۲) كلّ نفس بما كسبت رهينة

(۳) إنّما الأعمال بالنیات !

(۴) و ما الله بغافل عما تعملون

-سراسری- ۱۳۸۷

۷. عَيْنِ الْأَصْحَحِ وَ الْأَدَقِّ فِي الْجَوَابِ لِلتَّعْرِيبِ: «کارهای ما برای خدای تعالی همگی سبب نزدیکی به او می شود ، اما نماز از همه بهتر است!» :

(۱) أعمالنا التي نعملها لله تعالى كلها لتقرب الله ، أما الصلاة أفضل منها !

(۲) لنا أعمال نعملها لله تعالى تسبب التقرب إلى الله ، لكن أفضلها الصلاة !

(۳) إن كل أعمالنا لله تعالى سبب التقرب إليه ، أما أفضل منها الصلاة !

(۴) أعمالنا لله تعالى كلها تسبب التقرب إليه ، ولكن الصلاة أفضلها !

-سراسری-۱۳۸۷

۸. المقصود من العبارة هو: متي ما تلق من تهوي دع الدنيا و أهلها! .

(۱) تقصير الأمل في الدنيا. (۲) عدم اجتماع حب الله و حب الدنيا.

(۳) تعظيم شعائر الله في الدنيا. (۴) عدم التحسّر علي الدنيا.

-سراسری-۱۳۸۸

۹. «دوستانم به من گفتند آنها عادت کرده اند که درسهایشان را شب امتحان چند بار مطالعه کنند!». عَيْنِ الصَّحِيحِ فِي التَّعْرِيبِ:

(۱) قال الأصدقاء لي أنتم من عادتكم أن تطالعوا دروسكم يوم الامتحانات بمرات!

(۲) قالت صديقاتي لي هن قد تعودن للمطالعة في دروسهن ليلة الامتحانات بضع مرات!

(۳) قالت صديقاتي لي هن قد تعودن للمطالعة في دروسهن ليلة الامتحانات بضع مرات!

(۴) قالت لي صديقاتي إنهن تعودن أن يطالعن دروسهن كم مرة في ليلة الامتحان!

-سراسری-۱۳۸۸

۱۰. عَيْنِ الصَّحِيحِ فِي التَّرْجُمَةِ: «ساعت چهار روز پنجم ماه دو دوستم به خانه ما آمدند» :

(۱) جاء صديقان إثنان إلي دارنا في يوم خامس من الشهر في ساعة الرابعة.

(۲) جاءت صديقتان اثنتان إلي دارنا في الساعة رابعة من يوم الخمسة في الشهر.

(۳) جاءت صديقتاي إلي بيتنا في اليوم الخامس من الشهر في الساعة الرابعة.

(۴) جاء صديقتاي إلي بيتنا في ساعة الأربع من يوم الخمسة في الشهر.

-سراسری-۱۳۸۸

۱۱. عَيْنِ الْأَصْحَحِ وَ الْأَدَقِّ فِي الْأَجْوِبَةِ لِلتَّرْجُمَةِ :

«كانت المدرسة قد دعت بعض صديقاتي إلي حفلة نجاحنا بعد امتحانات نهاية السنة!»:

(۱) پس از امتحانات آخر سال، مدرسه بعضی دوستانم را به جشن قبولیمان دعوت کرده بود!

(۲) بعد از قبولی در امتحانات پایان سال، مدرسه برخی دوستان را به جشن قبولی ام دعوت کرد!

(۳) مدرسه ما بعد از امتحانات پایان سال، برای جشن موفقیت ما بعضی دوستان را دعوت کرده بود!

(۴) مدرسه بخاطر قبول شدن ما در امتحانات آخر سال، برخی دوستان را به جشن قبولی ما دعوت کرد!

-سراسری-۱۳۹۱

۱۲. عَيْنِ الْأَصْحَحِ وَ الْأَدَقِّ فِي الْأَجْوِبَةِ لِلتَّرْجُمَةِ :

«أخذتني الدهشة عندما وجدت في بعض الكتب آراء و نظريات كان المسلمون قد طرحوها لأول مرة!»:

(۱) شگفتی مرا فرا گرفت زمانی که افکار و نظراتی را که برای بار اول مسلمین در برخی کتابها طرح کرده بودند یافتم!

(۲) حیرت مرا فراگرفت هنگامی که در بعضی کتابها آراء و نظریاتی یافتم که مسلمانان برای اولین بار آنها را مطرح کرده بودند!

(۳) دچار تعجب شدم وقتی دریافتم در بعضی کتابها آراء و نظریاتی از مسلمانان آمده که برای نخستین بار آنها، آن را طرح کرده بودند!

(۴) دچار حیرت و تعجب شدم هنگامی که افکار و نظراتی را که توسط مسلمین برای بار نخست طراحی شده بود در آن کتابها یافتم!

-سراسری-۱۳۹۱

۱۳. عَيْنِ الْخَطَأِ فِي الْمَفْهُومِ :

- ۱) لا خير في ودّ امرئ متلّون! : لا فائدة في من تختلف سيرته عن علانيته!
 ۲) ربّ ظمآن بصفوالماء غصّ! : لا خير في الآمال التي تضرنا لأنها تهلكننا بعض الأحيان!
 ۳) البرّ أن تعمل في السرّ عمل العلانية! : قلب المؤمن كُنوز الأسرار فأعلانها خلاف البرّ!
 ۴) متي ما تلق من تهوي دع الدنيا و أهملها! : إن دخلت محبة الخالق في القلب يخرج حبّ الأمور الدنيوية منه!

-سراسری- ۱۳۹۱

۱۴. «مقدمه ی کتابم پنج صفحه است و چهار سال پیش آخرین صفحه ی آن را نوشتم!». عین الصحیح في التعریب :

- ۱) مقدمه کتابی خمس صفحات و کتبت آخر صفحه منها قبل أربع سنوات!
 ۲) لکتابی خمس صفحات من المقدمه و کتبت آخر صفحه منه قبل رابع سنوات!
 ۳) الصفحات الخامسة لمقدمه کتابی و قبل أربع سنوات قد کتبت صفحه الأخيرة منه!
 ۴) هناك خامسة صفحات لمقدمه کتابی و قبل رابع سنين کتبت الصفحة الأخيرة منها!

-سراسری- ۱۳۹۱

۱۵. عین الخطأ:

- ۱) خير و نیکی را جز با خوبی جواب مده! : لا تردّ الخير إلا بالخير!
 ۲) صبور پیروزی را با صبر بدست می آورد! : يحصل الصبور علي الظفر بالصبر
 ۳) کسی که نصیحت را به تو هدیه کند، آن را بپذیر! : اقبل كلّ نصيحة أهداها إليك!
 ۴) در دشمنی با دشمنان نه افراط کن و نه تفريط! : لا تُفرط و لا تُفرط في العداوة مع الأعداء!

-سراسری- ۱۳۹۱

۱۶. عین الأصح و الأدق في الجواب للتعریب :

- «فقط اگر یک بار به ندای دلت پاسخ دهی، در مسیری قرار می گیری که همه چیز را می فهمی، خوب باشد یا بد!»:
 ۱) إن أُجبت نداء قلبك مرّة واحدة فقط، وقعت في مسیر تفهم كلّ شيء، خيراً كان أو شراً!
 ۲) إن تجيب نداء نفسك مرّة واحدة، فإنّما تقف في الطريق تدرك كل الأشياء، سواء خيراً أو شراً!
 ۳) إذا استجبت النداء القلبی مرّة، فأنت وقعت في المسیر الذي تعلم جميع الأمور، كان خيراً أو شراً!
 ۴) إذا تستجب صوت النفس مرّة واحدة، فأنت الذي وضعت المسیر الذي تعرف كلّ الشيء، خيراً أو شراً!

-سراسری- ۱۳۹۰

۱۷. عین الصحیح:

- ۱) فذلک الوقت يعادل عدد الساعات التي يقضونها في المدرسة! : آن وقت مثل ساعتهاي است که کودکان آن را در مدرسه می گذرانند!
 ۲) لتراقب الأسرة أطفالها في زمن جلوسهم أمام التلفزيون، : خانواده کودکان را در زمان نشستن آنها مقابل تلویزیون مراقبت می کنند،
 ۳) لأنّ الوقت الذي يقضيه الأطفال أمام التلفزيون كثير جدّاً، : قطعاً کودکان وقت زیادی را در مقابل تلویزیون می گذرانند،
 ۴) هل تعلم كيف يكون تأثير التلفزيون علي سلوك الأطفال؟ : آیا می دانی تأثیر تلویزیون بر رفتار کودکان چگونه می باشد؟

-سراسری- ۱۳۸۹

۱۸. «قد يضرّ الشيء ترجو نفعه ربّ ظمآن بصفوالماء غصّ!» عین المناسب للمفهوم:

- ۱) لا تقنطوا من رحمة الله
 ۲) سيجعل الله بعد عسر يُسرا
 ۳) عسي أن تُحبّوا شيئاً و هو شرّ لكم
 ۴) عسي أن تکرهوا شيئاً و هو خير لكم

-سراسری- ۱۳۸۹

۱۹. «شما موفقیت را می جوئید اما راه آن را طی نمی کنید؛ بدانید که این غیر ممکن است!». عین الصحیح:

- (۱) تطلبون التوفيق اما لم تقطعوا سبيله ؛ اعرفوا انه ليس ممكناً !
 (۲) انتم ترجون الفوز و لكن لا تمشون طرقها ؛ اعلّموا أنّها لا يمكن ابداً !
 (۳) تسألون النجاح اما لم تذهبوا مسالكها ؛ تعلموا أنّها ابداً غير ممكن !
 (۴) أنتم تبحثون عن النجاح لكن لا تقطعون طريقه؛ اعلّموا أنّه غير ممكن!

سراسری-۱۳۸۹

۲۰. «جای تأسف است اگر شهید فراموش شود، پس باید با حفظ خاطراتش سعی کنیم فراموش نکنیم!»:
 (۱) مع التأسف إن ينسوا الشهداء، فلنحاول أن لا ننساهم مع حفظ ذكراهم!
 (۲) أسفاً من أن ينسوا الشهداء، فنحاول أن نحفظ ذكراه و لا ننساه!
 (۳) مؤسفاً من أنّ الشهيد ينسي، فلنسعي أن لا ننساهم بحفظ ذكراهم!
 (۴) من المؤسف إن ينس الشهيد ؛ فلنسع أن لا ننساه بحفظ ذكراه !

سراسری-۱۳۸۹

۲۱. عَيْنِ الْأَصْحِ وَالْأَدَقِّ فِي الْجَوَابِ لِلتَّرْجُمَةِ :

عائير من يجالسون العلماء و يشاورونهم!

- (۱) با دانشمندان همنشینی و معاشرت بنمای و با آنها مشورت کن!
 (۲) زندگی کن با کسانی که همنشین دانشمندانند و به آنها مشورت می دهند!
 (۳) با کسانی زندگی کن که با دانشمندان همنشین هستند و با آنها مشورت می کنند!
 (۴) با کسانی که با دانشمندان همنشینی می کنند و با آنها مشورت می کنند، معاشرت کن!

سراسری-۱۳۸۴

۲۲. عَيْنِ الْأَصْحِ وَالْأَدَقِّ فِي الْجَوَابِ لِلتَّرْجُمَةِ :

المجتون ينجحون في هذه الحياة لأنهم يستفيدون من الفرص جيّدا

- (۱) افراد ساعی و کوشا در زندگی خود پیروز هستند چون از موقعیت ها بخوبی سود می جویند.
 (۲) تلاشگران در این زندگی موفق می شوند زیرا آنان از فرصت ها، بخوبی استفاده می کنند.
 (۳) انسان های کوشا در این دنیا موفق هستند برای این که از فرصت های خوب استفاده برده اند.
 (۴) اشخاص فعال در این حیات به توفیق دست یافته اند زیرا از امکانات بهره مند هستند.

سراسری-۱۳۸۴

۲۳. «من طلب الغلي سهر الليالي!» عَيْنِ الْأَقْرَبِ فِي الْمَفْهُومِ:

- (۱) «إنما اصل الفتى ما قد حصل!»
 (۲) «لن تبلغ المجد حتّى تلعق الصبر!»
 (۳) «من يعرف المطلوب يحقر ما بذل!»
 (۴) «إن كنت تطلب عزّاً فاجتنب سوءاً!»

سراسری-۱۳۸۴

۲۴. «والدين تجارب ارزشمندى را در زندگى خویش جمع آورى کرده اند» :

- (۱) الوالدان قد جمعا تجارب قيّمة في حياتهما.
 (۲) الوالدين اجتمعوا تجربة ثمينة في الحياة الدنيا
 (۳) كان الولدان قد جمعا تجارب ثمينة طول الحياة
 (۴) إنّ الوالدين اكتسبوا تجارب سامية طول حياتهم القيّمة

سراسری-۱۳۸۴

۲۵. عَيْنِ الْأَصْحِ وَالْأَدَقِّ فِي الْأُجُوبَةِ لِلتَّرْجُمَةِ:

«علينا أن نسعي للاستفادة من النعم الإلهية في طريق حركتنا نحو الكمال!»:

- (۱) بر ماست که برای استفاده از نعم الهی و رسیدن به کمال و رشد سعی و تلاش کنیم!
 (۲) ما باید برای استفاده از نعمتهای الهی در راه حرکتمان بسوی کمال سعی و تلاش کنیم!
 (۳) ما برای بهره مندی از مواهب الهی در طریق حرکت بسوی سعادت و کمال خویش باید کوشش کنیم!
 (۴) بر ما لازم است که جهت بهره وری از نعمت خدایی در حرکت خویش بسمت رشد و کمال سع یکنیم!

سراسری-۱۳۸۷

۲۶. عَيْنِ الْأَصْحٰ وَ الْأَدَقِّ فِي الْأَجْوِبَةِ لِلتَّرْجَمَةِ:

- «كان الباحثون المسلمون يهاجرون إلي النقاط البعيدة من الأرض لاكتشاف أسرار الكون»:
 (۱) پژوهشگران اسلامی به مناطق دور دستی از زمین برای کشف راز هستی سفر کرده اند.
 (۲) محققان مسلمان برای کشف اسرار هستی به نقاط دوردست زمین مهاجرت می کردند.
 (۳) جستجوگران اسلامی به اقصی نقاط زمین برای بدست آوردن رازهای جهان مسافرت کرده بودند.
 (۴) تحقیق گران مسلمان بودند که به مناطق دوردست زمین برای اکتشاف اسرار دنیا مهاجرت نمودند.

-سراسری-۱۳۸۷

۲۷. عَيْنِ الصَّحِيحِ فِي التَّرْجَمَةِ :

- (۱) «في مدرستنا تختصّ الحصّة الرابعة بتعليم اللّغة العربيّة»: در مدرسه ی ما چهار زنگ به آموزش زبان عربی اختصاص یافته است.
 (۲) «فاز تلميذان اثنان من بين ستّة طلاب في مسابقة حفظ القرآن»: از میان شش دانش آموز شرکت کننده در مسابقه ی حفظ قرآن دومین نفر برنده شد.
 (۳) «دُعيت للحضور في حفلة عظيمة ستتعقد في مدرستنا بعد ثلاثة أيّام»: برای حضور در جشن بزرگی که سه روز دیگر در مدرسه مان برگزار خواهد شد، دعوت شدم.
 (۴) «كان تسعة طلاب ينتظرون في الساعة الثامنة صباحاً زيارة أحد أصدقائي»: هفت دانش آموز در ساعت هشت صبح منتظر دیدن یکی از دوستان خود بودند.

-سراسری-۱۳۸۷

۲۸. عَيْنِ الصَّحِيحِ:

- (۱) «طوبى لمن يشغله عيبه عن عيوب الآخرين»: خوشا بحال کسی که پرداختن به عیب خویش وی را از عیوب دیگران باز دارد،
 (۲) «و لا يشغله مقامه و لا يغره ماله في هذه الدنيا»: و در این دنیا مقام او را به خود مشغول نکرد و مال او را مغرور نکرد.
 (۳) «و يعظم الله كما عظم الله نفسه»: و خدا را بزرگ داشت همانطور که خود بزرگ داشته شده،
 (۴) «فهكذا إذا مات يكون رسول الله أنيسه!»: اینگونه است که زمان مرگ، مونس رسول خدا می شود!

-سراسری-۱۳۸۷

۲۹. «تنزل الأمطار الكثيرة في فصل الربيع». عَيْنِ السُّؤَالِ الْمُنَاسِبِ:

- (۱) «متي تنزل الأمطار الكثيرة؟»
 (۲) «كيف تنزل الأمطار الكثيرة في فصل الربيع؟»
 (۳) «هل تحبّين نزول الأمطار الكثيرة؟»
 (۴) «لماذا تنزل الأمطار الكثيرة في فصل الربيع؟»

-سراسری-۱۳۸۷

۳۰. «ما برای رسیدن به اهداف خود باید تلاش دانشمندان بزرگ را مورد توجه قرار دهیم!» عَيْنِ الْخَطَأِ:

- (۱) «للحصول علي أهدافنا علينا أن نهتمّ بجهد العلماء الكبار!»
 (۲) «لننجل جهد العلماء الكبار نصب أعيننا للوصول إلي أهدافنا»
 (۳) «يلزم علينا بالاهتمام بأهدافنا للوصول إلي اجتهاد العلماء العظام!»
 (۴) «للتوصل إلي أهدافنا يجب علينا أن نجعل اجتهاد العلماء العظام نصب أعيننا!»

-سراسری-۱۳۸۷

۳۱. من بادر الصّيد مع الفجر قنص! " عَيْنِ الصَّحِيحِ فِي الْمَفْهُومِ:

- (۱) علي الصيادين أن يقنصوا في الوقت المعين!
 (۲) يجب علينا أن نبادر بأعمال الخير في أوّل الصباح!
 (۳) الإنسان الذي يقوم بأعماله بدون تأخير فهو الناجح!
 (۴) إنّ أحسن الأعمال للصياد أن يذهب إلي الصيد عند الفجر

-سراسری-۱۳۸۶

۳۲. عَنِ الْأَصْحَحِ وَالْأَدَقِّ فِي الْجَوَابِ لِلتَّرْجَمَةِ :

ما در حال حاضر نیاز بیشتری به کار و کوشش داریم!

- (۱) إِنَّا نَحْتَاجُ شَدِيداً إِلَى الْجَدِّ وَالْعَمَلِ فِي الزَّمَانِ الْحَاضِرِ!
- (۲) نَحْنُ أَشَدُّ أَحْتِيَاجاً فِي الْوَقْتِ الْحَاضِرِ إِلَى الْعَمَلِ وَالْجِتْهَادِ!
- (۳) نَحْنُ فِي أَحْتِيَاجِ أَشَدِّ مِنَ الْوَقْتِ الْحَالِيِّ إِلَى الْعَمَلِ وَالْجَدِّ!
- (۴) إِنَّا نَحْتَاجُ أَشَدُّ إِلَى الْعَمَلِ وَالْجَدِّ الشَّدِيدِ فِي الزَّمَنِ الْحَالِيِّ!

-سراسری-۱۳۸۲

۳۳. عَيْنِ الصَّحِيحِ:

- (۱) إِنْ كُنْتُمْ فِي صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ يَهْدِكُمْ اللَّهُ فِي حَيَاتِكُمْ! :اگر به راه مستقیم بودید خداوند در زندگی شما را هدایت می کند!
- (۲) شَاهِدْتُمْ ضَاحِكاً أَمْسَ وَ قَدْ كَانَ وَجْهَهُ مُسْتَبْشِراً! :دیروز تو را خندان دیدم در حالی که چهره ات شاد و خوشحال بود!
- (۳) اللَّهُ غَنِيٌّ لَا يَفْتَقِرُ وَ هُوَ صَاحِبُ الْجُودِ! : خداوند، آن بی نیازی است که نیازمند نمی گردد و او دارای بخشش بوده است!
- (۴) كُنْ صَادِقاً وَ لَا تَخْلِفْ وَ عَذَابُكَ فَتَخْلُصَ مِنَ الْخَطَايَا! : در وعده ات صادق باش در نتیجه از خطاها رهائی خواهی یافت!

-سراسری-۱۳۸۵

۳۴. عَيْنِ الْخَطَأِ فِي التَّرْجَمَةِ :

- (۱) مِنْ ضَيِّعٍ نَعِمَ اللَّهُ فَقَدْ كَفَرَ بِهَا! : کسی که نعمتهای خدا را ضایع می کند کافر است!
- (۲) لَيْسَ مِنْ أَوْلِيَاءِ اللَّهِ إِلَّا الْمُتَّقُونَ! : فقط افراد با تقوی از اولیاء خداوند هستند!
- (۳) عَلَيْنَا أَنْ نُكْرِمَ الَّذِينَ ضَحَّوْا بِأَنْفُسِهِمْ لِكِرَامَةِ شَعْبِنَا! : ما باید کسانی را که خود را برای کرامت ملّت ما فدا کرده اند گرامی بداریم!
- (۴) كَانَ سَبَبُ تَقَدُّمِ الْمُسْلِمِينَ فِي مَجَالِ الْعِلْمِ، تَكْرِيمِ الْإِسْلَامِ لَهُ. : علت پیشرفت مسلمانان در عرصه ی علم، بزرگداشت اسلام نسبت به علم بود.

-سراسری-۱۳۸۳

۳۵. «رَأَيْتُ الدَّهْرَ مُخْتَلِفاً يَدُورُ فَلَاحُزْنَ يَدُومَ وَ لَا سُورُورَ!». مفهوم البيت:

- (۱) لَيْسَ لَكَ دَوَامٌ فِي الدَّهْرِ.
- (۲) كُلُّ شَيْءٍ هَالِكٌ إِلَّا وَجْهَهُ.
- (۳) أَغْتَلَمَ فُرْصَ الدُّنْيَا فَإِنَّمَا تَزُولُ!
- (۴) الدَّهْرُ يَوْمَانُ؛ يَوْمٌ لَكَ وَ يَوْمٌ عَلَيْكَ!

-سراسری-۱۳۸۳

۳۶. عَيْنِ الْأَصْحَحِ وَالْأَدَقِّ فِي الْجَوَابِ لِلتَّعْرِيبِ:

«هرکس با حقیقت زندگی آشنا گردد، عمر خود را در دنیا تباه نمی سازد!»

- (۱) لَنْ يُضَيِّعَ الْعَمْرَ فِي دُنْيَاهُ، مَنْ عَرَفَ الْحَقِيقَةَ الْحَيَاةَ!
- (۲) مَنْ عَرَفَ حَقِيقَةَ حَيَاتِهِ، لَمْ يُضَيِّعِ الْعَمْرَ فِي الدُّنْيَا!
- (۳) مَنْ تَعَرَّفَ عَلَيَّ حَقِيقَةَ الْحَيَاةِ، لَا يُضَيِّعُ عَمْرَهُ فِي الدُّنْيَا!
- (۴) لَا يُضَيِّعُ عَمْرَهُ فِي الدُّنْيَا، مَنْ تَعَرَّفَ عَلَيَّ الْحَقِيقَةَ فِي الْحَيَاةِ!

-سراسری-۱۳۸۳

۳۷. عَيْنِ الْأَصْحَحِ وَالْأَدَقِّ فِي الْجَوَابِ لِلتَّرْجَمَةِ :

«من الواجب علينا أن لا نغض عيننا عن فوائد النباتات الكثيرة لسلامة جسمنا!» :

- (۱) بَرِّ مَا وَاجِبٌ اسْتِزَادَ مِنْ فَوَائِدِ غِيَاهَانِ بَسْيَارِي كَمَا بَرِّ مَا وَاجِبَ بَدَنِ مَا وَجُودَ دَارِدَ چَشْمِ پُوشِي نَكْنِيم!
- (۲) مَا نَبَايِدُ اسْتِزَادَ مِنْ فَايِدَةِ هَايِ بِي شَمَارِ غِيَاهَانِ كَمَا بَرِّ مَا وَاجِبَ بَدَنِ مَا وَجُودَ دَارِدَ چَشْمِ پُوشِي نَكْنِيم!
- (۳) بَرِّ مَا اسْتِزَادَ مِنْ فَوَائِدِ بَسْيَارِ غِيَاهَانِ بَرِّ مَا وَاجِبَ بَدَنِ مَا وَجُودَ دَارِدَ چَشْمِ پُوشِي نَكْنِيم!
- (۴) مَا نَبَايِدُ اسْتِزَادَ مِنْ فَايِدَةِ هَايِ غِيَاهَانِ بَسْيَارِ، بَرِّ مَا وَاجِبَ بَدَنِ مَا وَجُودَ دَارِدَ چَشْمِ پُوشِي نَكْنِيم!

-سراسری-۱۳۸۶

۳۸. كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ رَهِينَةٌ . عَيْنُ الْأَقْرَبِ إِلَى مَفْهُومِ الْآيَةِ:

- (۱) أَيَّتَهَا النَّفْسُ ! لَا نَجَاءَ إِلَّا بِمَا كَسَبْتَ مِنَ الثَّوَابِ فَإِنَّهُ خَيْرٌ زَادًا!
- (۲) جمال النفس في اكتساب الثَّوَابِ و ما يُسأل عنه!
- (۳) مَنْ عَمِلَ صَالِحًا فَلِنَفْسِهِ و مَنْ أَسَاءَ فَعَلَيْهَا!
- (۴) عمل الإنسان رفيقه فاختر له ما يُحسّنه!

-سراسری-۱۳۸۶

۳۹. عَيْنُ الْأَصَحِّ وَ الْأَدَقِّ فِي الْجَوَابِ لِلتَّعْرِيبِ :

«در گذشته ادبای ما افتخار می کردند که از زبان قرآن برای نوشتن آثار خود استفاده می کنند!»

- (۱) في القديم أدباؤنا كان يفتخرون بأنهم من اللغة القرآنية يستفيدون لكتابة آثارهم!
- (۲) كان أدباؤنا في الماضي يفتخرون بأنهم يستفيدون من لغة القرآن لكتابة آثارهم!
- (۳) أدبائنا كانت يفتخرون بالاستفادة من اللغة القرآن لكتابة آثارهم في الماضي!
- (۴) أهل أدبنا كان يفتخر بأنهم سيستفيدون من لغة قرآن لكتابة آثارهم في القديم!

-سراسری-۱۳۸۶

۴۰. عَيْنُ الْأَصَحِّ وَ الْأَدَقِّ فِي الْأَجْوِبَةِ لِلتَّرْجُمَةِ :

منذ عرفت مفاهيم القرآن القيمة، أستمع إليه بكل دقة عندما يقرأ!

- (۱) از وقتی مفاهیم ارزشمند قرآن را شناختم، هنگامی که خوانده می شود با تمام دقت بدان گوش می کنم!
- (۲) از وقتی ارزش زیاد مفهوم های قرآنی را شناختم، هنگامی که تلاوت می شود، در فهم آن دقت زیاد می نمایم!
- (۳) آنگاه که ارزش مفاهیم قرآن برایم روشن شد، وقت تلاوت آن با دقت بسیار زیاد بدان گوش می دهم!
- (۴) از هنگامی که با مفهوم های ارزشمند قرآنی آشنا شدم، وقتی قرآن می خواند در گوش کردن بدان کاملاً دقت می کنم!

-سراسری-۱۳۸۷

۴۱. عَيْنُ الصَّحِيحِ:

- (۱) تُرْفَعُ رَايَةُ الشَّيْطَانِ فِي الْفِتَنِ! پَرِجَمِ شَيْطَانٍ رَا دَر هَمِه ي فتنه ها بالا می بری!
- (۲) لَوْ كُنْتَ مَنْجُمًا لَرَأَيْتَ كَيْفَ انْقَلَبَتِ النُّجُومُ! اِگَر سِتَارَه شِنَاسِ مِي بُوَدِم، نَحْوِه ي تَغْيِيرِ سِتَارِگَانِ رَا مِي دِيدِم!
- (۳) مَنْ يَتَعَبُ نَفْسَه فِي الْعَمَلِ الْمَتَوَاصِلِ يُصْبِحُ نَاجِحًا! اَنكَه خُود رَا بَا كَارِهَائِ مَتَوَالِي بَه سَخْتِي اِنْدَاخْتِ مَوْفِقِ مِي شُود.
- (۴) مِنَ الْعُلَمَاءِ مَنْ يَبْدُلُ ظُلْمَاءَ الْجَهْلِ بِنُورِ الْعِلْمِ! عَدِه اِي اَز دَانَشْمَنْدَانِ تَارِيكِي جَهْلِ رَا بَه نُورِ عِلْمِ تَبْدِيلِ مِي كَنْد.

-سراسری-۱۳۸۷

۴۲. عَيْنُ الصَّحِيحِ:

- (۱) الْإِيمَانُ هُوَ مَا يَكُونُ ثَابِتًا فِي الْقُلُوبِ! اِيْمَانِ اسْتِ كِه دَر دِلِهَائِ مَا ثَابِتِ مِي مَانَد.
- (۲) كَيْفَ غَفَلْنَا عَنِ اللَّهِ الَّذِي لَا يَغْفُلُنَا! چَكُونِه اسْتِ كِه اَز خُدَائِي كِه مَا اُو رَا فَرَامُوشِ نَمِي كَنِيْم، غَافَلِيْم.
- (۳) إِنَّ حُكْمَ اللَّهِ فِي مَخْلُوقَاتِ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ لَوَاحِدٌ! فِقْطِ فَرْمَانِ خُودِ بَرِ مَخْلُوقَاتِ زَمِيْنِي وَ آسْمَانِي يَكِي اسْت!
- (۴) أَلَا تَرَوْنَ كَيْفَ صَعَّرَ اللَّهُ الشَّيْطَانَ بِتَكْبُرِهِ! آيَا نَمِي بِيْنِيْدِ چَكُونِه خُودِ شَيْطَانِ رَا بَخَاظِرِ تَكْبُرِشِ كُوجِكِ سَاخْت!

-سراسری-۱۳۸۷

۴۳. عَيْنُ الْخَطَأِ:

- (۱) أَلَيْسَ الْعِلْمُ أَحَبَّ إِلَيْكَ مِنَ الثَّرْوَةِ! آيَا نَزْدِ تُو عِلْمِ مَحْبُوبْتِرِ اَز ثَرَوْتِ نِيْسْت!
- (۲) اللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا نَعْمَلُ فِي كُلِّ زَمَنٍ! خُودِ بَرِ آنْجِه دَر هَر زَمَانِ اِنْجَامِ مِي دِهِيْم، آگَاهْتِرِ اسْت!
- (۳) هَذَانِ الْبِلْدَانِ أَكْبَرُ بِلْدَيْنِ شَاهِدْتِهْمَا! اِيْنِ دُو شَهْرِ اَز شَهْرِهَائِ بَزْرُگِي هَسْتَنْدِ كِه آنْهَا رَا شِنَاخْتِه اِم!
- (۴) إِنَّ أَحْسَنَ التَّلَامِيْذِ مَنْ يَسَاعِدُونَ الْآخِرِينَ! هَمَانَا بَهْتَرِيْنِ دَانَشِ آمُوزَانِ كَسَانِي هَسْتَنْدِ كِه دِيْگَرَانِ رَا كَمَكِ مِي كَنْد.

-سراسری-۱۳۸۷

۴۴. عَيْنُ الْمُنَاسِبِ لِمَفْهُومِ الْآيَةِ: عَسَى أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَ يَجْعَلَ اللَّهُ فِيهِ خَيْرًا كَثِيرًا

- (۱) إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا (۲) الْخَيْرُ فِي مَا وَقَعَ (۳) عَسَى اللَّهُ أَنْ يَعْفُو عَنْهُمْ (۴) بِقَدْرِ الْكَيْدِ تَكْتَسِبُ الْمَعَالِي

-سراسری-۱۳۸۷

۴۵. عین الأصحّ و الأدقّ في الجواب للتّعريب :

«اسلام، زمينه‌ی رشد و فعالیت سالم را برای همه فراهم آورده است!»

- (۱) یوقّر الإسلام للكلّ مجال الحركة و الاجتهاد الصحيحين! (۲) الإسلام وقرت ساحة النموّ و الفعالية السالمين للجميع!
- (۳) كان الإسلام قد وقرّ للكلّ ساحة الجهد و النموّ الصحيحين! (۴) قد وقرّ الإسلام مجال الرشد و النشاط السالمين للجميع!

-سراسری-۱۳۸۴

۴۶. عین الأصحّ و الأدقّ في الجواب للتّعريب :

«ای فرزندان من، شما باید در کارهایتان بسیار تلاش کنید!»

- (۱) أبنائي! حاولوا في أموركم محاولة كثيراً
- (۲) يا أولاد! إسعوا في أعمالكم الكثيرة سعياً
- (۳) يا أولادى! عليكم أن تجتهدوا في أعمالكم اجتهاداً بالغا
- (۴) يا بنائي! يجب عليكّن الاجتهاد في الأمور الكثيرة

-سراسری-۱۳۸۴

۴۷. «امیدواریم که خداوند ما را در خدمت به مردم موفق گرداند!» عین الصحيح:

- (۱) نرجو أنّ الله يوفّقنا للخدمة إلى الناس!
- (۲) نسأل الله التوفيق لنا في خدمة الناس!
- (۳) نحن نريد من الله أن نوفّق في خدمة الانسان!
- (۴) نطلب من الله التوفيق في سبيل خدمة البشرية!

-سراسری-۱۳۸۳

۴۸. عین الخطا:

- (۱) در راه خدا جهاد کن تا پیروز شود!؛ جاهد في سبيل الله تنتصرى
- (۲) پیامبر (ص) مسلمانان را به صدقه دادن تشویق می کرد!؛ كان النبي (ص) يشجّع المسلمين على الصدقة
- (۳) خداوند کسانی را که به دیگران کمک می کنند دوست دارد!؛ إنّ الله يُحبّ اللاتى يُساعدن الآخرين.
- (۴) مخالفت کردن قبل از درک موضوع نشانه‌ی جهل است!؛ المعارضة قبل فهم الموضوع علامة الجهل

-سراسری-۱۳۸۳

۴۹. «دوستان ما در کلاسمان همگی به دو زبان حرف می زنند!»

- (۱) أصدقاؤنا في صقنا يتكلمون باللغتين جميعاً!
- (۲) أصدقاؤنا يتحدثون في صقهم بلغة اثنتين جميعاً!
- (۳) يتكلمون أصدقاؤنا كلهم في صقنا باللغتين اثنتين!
- (۴) يتحدث أصدقاؤنا جميعهم في صقنا بلغتين اثنتين!

-سراسری-۱۳۸۷

۵۰. «دانشجویان طب شروع به تحقیقات جدیدی پیرامون برخی بیماریهای خاص کردند»:

- (۱) أخذ طالبو الطبّ بدراسة عديدة عن أمراض خاصة في بعضها!
- (۲) بدأ طالبو الطبّ بدراسات عديدة حول الأمراض!
- (۳) بدأ طلاب الطبّ بدراسات جديدة حول بعض الأمراض الخاصة!
- (۴) أخذ طلاب الطبّ بدراسة جديدة حين بعض الأمراض المخصوصة!

-سراسری-۱۳۸۷

۵۱. عین الأصحّ و الأدقّ في الترجمة:

عش مرفوع الرأس و لا تُحقر الآخرين و لا تسمح لتتحكم المصالح الشخصية في علاقاتك مع الآخرين!

- (۱) با سربلندی زندگی کن زیرا تو دیگران را حقیر نمی شماری و اجازه نمی دهی منافع شخصی در پیوندهایت با دیگران دآوری کن!
- (۲) با تواضع زندگی کن و دیگران را حقیر مشمار و اجازه مده در علاقه ات با دیگران سودهای شخصی حاکمیت پیدا کند!
- (۳) در زندگی سربلند باش و دیگران را پست مشمار و اجازه مده روابط خصوصی بر روابط دیگران با تو اثر بگذارد.
- (۴) سربلند زندگی کن و دیگران را تحقیر مکن و اجازه مده که منافع شخصی بر روابط تو با دیگران حاکم شود.

-سراسری-۱۳۸۱

۵۲. عَيْنِ الْأَصْحِ وَالْأَدَقِّ فِي التَّرْجَمَةِ :

شکست ها موجب می شود که ما اشتباهات خود را بشناسیم، بنابراین از شکست مهراس!

(۱) الْأَفْشَالُ يُسَبِّبُ أَنْ نُعْرَفَ أخطاءنا، فلا تُخَشَّ من فشل!

(۲) الهزائم تسبب أن نعرف أخطاءنا فلا تخف الهزيمة!

(۳) الهزائم سبب لتعريف أخطائنا، فلا ترح من الفشل!

(۴) إلفشال يوجب أن نتعرف على الأخطاء، فلا تخاف الهزيمة!

-سراسری-۱۳۸۱

۵۳. عَيْنِ الْأَصْحِ وَالْأَدَقِّ فِي الْجَوَابِ لِلتَّرْجَمَةِ :

«كنت أحسن أن الحياة سوف تمر بي بصعوبة كثيرة مع فقدانه!» :

(۱) حس کرده بودم زندگی با عدم وجود او بر من خیلی سخت می گذرد!

(۲) حس می کردم با فقدان او زندگی جداً با من به دشواری روبرو خواهد شد!

(۳) احساسم این بود که زندگی بر من بسیار دشوار سپری خواهد شد با نبود او!

(۴) احساس می کردم که با از دست دادن او زندگی بسیار سخت بر من خواهد گذشت!

-سراسری-۱۳۹۳

۵۴. عَيْنِ الْأَصْحِ وَالْأَدَقِّ فِي الْجَوَابِ لِلتَّرْجَمَةِ:

«الصَّبْرُ صَبْرَان: صبر على أداء عمل حسن لا تحبب أداءه، و صبر على ترك عمل سيئ تحببه!»:

(۱) تحمل کردن خوبی‌هایی که مورد علاقه ات نیستند، و تحمل کردن کار بدی که بدان علاقه داری!

(۲) تحمل انجام دادن کارهای خوبی که تمایل به آن‌ها نداری، و ترک بدی‌هایی که به آن‌ها تمایل داری!

(۳) صبر بر انجام کار خوبی که انجام دادنش را دوست نداری، و صبر بر ترک کار بدی که دوستش داری!

(۴) صبر کردن بر کاری خوب که انجام آن را نمی‌پسندی، و صبر کردن بر بدی‌هایی که دوستشان نداری!

-سراسری-۱۳۹۳

۵۵. عَيْنِ الْأَصْحِ وَالْأَدَقِّ فِي الْجَوَابِ لِلتَّرْجَمَةِ :

«الغد المضيء يتعلق بمن يعرف اليوم و ينتفع بأحسن وجه!»

(۱) فردای روشنی بخش از آن کسی است که امروز را بشناسد و از آن به بهترین وجه سود ببرد!

(۲) فردایی روشن است که متعلق به کسی باشد که امروز را دریافته و نفع خوبی از آن گرفته باشد!

(۳) فردایی که درخشان است به کسی تعلق دارد که امروزش را می‌شناسد و برترین نفع را از آن می‌برد!

(۴) فردایی فروزان است که از آن کسی باشد که امروز را بشناسد و به بهترین صورت از آن سود برده باشد!

-سراسری-۱۳۹۳

۵۶. عَيْنِ الْأَصْحِ وَالْأَدَقِّ فِي الْجَوَابِ لِلتَّرْجَمَةِ:

«الَّذِينَ قَدْ عُرِفُوا بِأَخْلَاقِهِمُ الْكَرِيمَةَ لَمْ يُضَيِّعُوا عَمْرَهُمْ وَ تَوَصَّلُوا إِلَى حَقِيقَةِ الْحَيَاةِ!»

(۱) آن‌ها که اخلاق کریمه خود را شناخته و بدان مشهور شدند، عمر را ضایع نکرده به زندگی حقیقی دست می‌یابند!

(۲) کسانی که به اخلاق کریمه شان شناخته شده‌اند، عمرشان را تباه نکرده اند و بر حقیقت زندگی دست یافته اند!

(۳) آنان که به اخلاق کریمه ی خود شهره هستند، عمرشان را از بین نبرده اند و حقیقت زندگیشان را دریافته اند!

(۴) آن‌ها که اخلاق کریمه ی خویش را شناختند، عمرشان تلف نشده و حقیقت زندگی را واقعاً در می‌یابند!

-سراسری-۱۳۹۳

۵۷. عَيْنِ الْخَطَا فِي التَّرْجَمَةِ:

(۱) لَا تُؤَخِّرْ وَقْتِ صَلَاتِكَ إِلَّا لِلْقِيَامِ بِأُمُورِ النَّاسِ! : زمان نماز خود را فقط برای انجام کارهای مردم به تأخیر بینداز!

(۲) إِسْعَ فِي كَسْبِ الْعِلْمِ حَتَّى يَرْفَعَ عَمَلُكَ عِلْمَكَ! : در به دست آوردن علم تلاش کن تا عملت، علمت را بالا ببرد!

(۳) من يطلب مطلوبه بهجر نومه! : هر کس مطلوب خویش را بجوید از خواب خود دست می‌کشد!

(۴) قَصَّرَ أَمَانِيكَ لِأَنَّهُ لَا خَيْرَ فِي كَثْرَتِهَا! : آرزوهایت را مقصر بدان زیرا در زیادی آن‌ها خیر نیست!

-سراسری-۱۳۹۳

۵۸. «كَلَّمَ النَّاسَ عَلَى قَدْرِ عَقُولِهِمْ!». عَيْنُ الْمُنَاسِبِ لِلْمَفْهُومِ:

- (۱) إِنَّ خَيْرَ الْكَلَامِ مَا يُمْكِنُ فَهْمُهُ لِلنَّاسِ!
 (۲) إِنَّكُمْ مَسْئُولُونَ عَنِ كَلَامِكُمْ بَيْنَ النَّاسِ!
 (۳) يَجِبُ عَلَيْكُمْ أَنْ تَحْفَظُوا لِسَانَكُمْ أَمَامَ النَّاسِ!
 (۴) تَأَمَّلْ قَبْلَ أَنْ تَبْدَأَ بِالْكَلَامِ أَمَامَ النَّاسِ!

-سراسری-۱۳۹۳

۵۹. عَيْنُ الصَّحِيحِ فِي التَّعْرِيبِ: "

«گمان می کنم دوستانم، کوچک و بزرگ آن ها، مرا فراموش کرده اند!».

- (۱) ظَنَنْتُ أَنَّ صَدِيقَتَايَ نَسِيْتَنِي، الصَّغِيرَةَ وَ الْكَبِيرَةَ مِنْهُمَا!
 (۲) أَفَكَّرْتُ أَنَّ صَدِيقَاتِي قَدْ نَسِيْنَنِي، صَغِيرَهُمْ وَ كَبِيرَهُنَّ!
 (۳) أَظُنُّ أَنَّ أَصْدِقَائِي قَدْ نَسَوْنِي، الصَّغِيرِ مِنْهُمْ وَ الْكَبِيرِ!
 (۴) فَكَّرْتُ أَنَّ صَدِيقِي نَسِيَانِي، صَغِيرَهُمَا وَ كَبِيرَهُمَا!

-سراسری-۱۳۹۳

۶۰. عَيْنُ الصَّحِيحِ فِي التَّعْرِيبِ: «اگر هر روز چهار ساعت درس بخوانی، بعد از یازده روز برای شرکت در همه امتحانات آماده خواهی بود!»:

- (۱) إِنْ كُنْتَ دَرَسْتَ أَرْبَعَ سَاعَاتٍ كُلَّ يَوْمٍ، بَعْدَ أَحَدٍ وَ عَشْرٍ يَوْمًا تَكُونُ مُسْتَعَدًّا لِلشَّرَاكِ فِي جَمِيعِ الْاِمْتِحَانَاتِ!
 (۲) إِنْ تَدْرُسُ أَرْبَعَ سَاعَاتٍ كُلَّ يَوْمٍ، فَسَتَكُونُ جَاهِزًا لِلشَّرَاكِ فِي جَمِيعِ الْاِمْتِحَانَاتِ بَعْدَ أَحَدٍ عَشْرٍ يَوْمًا!
 (۳) إِذَا دَرَسْتَ فِي كُلِّ الْاَيَّامِ أَرْبَعَ سَاعَاتٍ حَتَّى يَوْمٍ أَحَدٍ عَشْرٍ، كُنْتَ جَاهِزًا لِجَمِيعِ الْاِمْتِحَانَاتِ!
 (۴) إِذَا تَدْرُسُ لِأَرْبَعِ سَاعَاتٍ كُلَّ يَوْمٍ حَتَّى أَحَدٍ وَ عَشْرٍ يَوْمًا، سَتَكُونُ مُسْتَعَدًّا لِلْاِمْتِحَانَاتِ كُلِّهَا!

-سراسری-۱۳۹۳

۶۱. عَيْنُ الْأَصْحَحِ وَ الْأَدَقِّ فِي الْجَوَابِ لِلتَّرْجُمَةِ:

«أَثْمَارُ فَصْلِ الصَّبْفِ الْمَفِيدَةِ هِيَ الزَّهْرُ الْمَتَلَوْنَةُ الَّتِي كَانَتْ قَدْ صَنَعَتْ لَنَا مَنَظَرًا رَائِعًا فِي فَصْلِ الرَّبِيعِ!»:

- (۱) میوه های مفید فصل تابستان همان شکوفه های رنگارنگی هستند که در فصل بهار منظره ی دل انگیزی برای ما ساخته بودند!
 (۲) همان شکوفه های رنگین که در فصل بهار منظره ی دل انگیز ایجاد می کنند در فصل تابستان میوه های مفید به بار می آورند!
 (۳) همان شکوفه های رنگارنگی که منظره ی فصل بهار را زیبا کرده بودند در فصل تابستان تبدیل به ثمرات مفید شدند!
 (۴) میوه های مفید در فصل تابستان شکوفه های رنگارنگ بهاری هستند که آن منظره های جالب را برایمان می ساختند!

-سراسری-۱۳۹۳

۶۲. عَيْنُ الْأَصْحَحِ وَ الْأَدَقِّ فِي الْجَوَابِ لِلتَّرْجُمَةِ:

«إِنَّ الْكَمَالَ وَ الْعِظْمَةَ لَا يَتَحَقَّقَانِ بِالْكَلَامِ وَ الدَّعَاءِ فَقَطْ، بَلْ يَحْتَاجَانِ إِلَى مَجَاهِدَةٍ مُسْتَمِرَّةٍ وَ طَوِيلَةٍ وَ عَمَلٍ جَدِّيٍّ دَائِمًا!»:

- (۱) کمال و بزرگی فقط با حرف و دعا محقق نمی شود، بلکه به مبارزه دائمی و طولانی و کاری جدی و مستمر احتیاج دارد!
 (۲) بزرگواری و عظمت با سخن گفتن و دعا کردن تنها، حاصل نخواهند شد، بلکه به تلاش و جدیت دائمی در کارها احتیاج است!
 (۳) کمال گرایی و بزرگواری تنها بوسیله ی حرف و دعا بدست نمی آید، بلکه محتاج مبارزه و تلاش همیشگی و کار واقعی و جدی است!
 (۴) بزرگی و مقامات بلند فقط بوسیله ی حرف زدن و دعا کردن حاصل نمی شوند، بلکه به سعی و تلاش و جدیت دائمی و مستمر نیاز دارند!

-سراسری-۱۳۹۳

۶۳. عَيْنُ الْأَصْحَحِ وَ الْأَدَقِّ فِي الْجَوَابِ لِلتَّرْجُمَةِ:

«جَمِيعُ الْأَطْفَالِ يَحْتَوْنَ أَنْ يَلْبَسُوا أَيَّامَ الْعِيدِ أَجْمَلَ وَ أَنْظَفَ ثِيَابَهُمْ مَسْرُورِينَ، وَ هُمْ يَذْهَبُونَ لِزِيَارَةِ الْأَخْرِيِّينَ!»:

- (۱) کودکان همگی در روز عید دوست دارند زیباترین و نظیف ترین لباس خود را پوشیده با شادی به دیدن یکدیگر بروند!
 (۲) روزهای عید همگی کودکان لباس های زیبا و پاکیزه خود را می پوشند و با شادی بسیار به دید و بازدید دیگران می روند!
 (۳) همه بچه ها ایام عید شادمانه در حالیکه دوست دارند زیباترین و پاکترین لباس های خود را بپوشند، به دید و بازدید یکدیگر می روند!

(۴) در ایام عید همه بچه ها با شادی و مسرت، دوست دارند در حالیکه به دیدار دیگران می روند زیباترین و تمیزترین لباس های خود را بپوشند!

-سراسری-۱۳۹۳

۶۴. «من طمع بالكثير لم يحصل على القليل!». عین المناسب للمفهوم:

- ۱) ز طمع است کوتاه زبان مرد آز
- ۲) دل مرد طامع بود پر ز درد
- ۳) چو خرسند باشی تن آسان شوی
- ۴) حرص توست اینکه همه چیز تو را نایاب است
- چو شد طمع کوتاه زبان شد دراز!
- به گرد طمع تا توانی مگرد!
- چو آز آوری زان هراسان شوی!
- آز کم کن که نرخ همه ارزان گردد!

-سراسری-۱۳۹۳

۶۵. عین الصّحیح فی التعرّیب: «روزه ی ماه رمضان اراده ی انسان را برای قبول مسؤولیت در جامعه تقویت می کند، زیرا او در این ماه مفهوم صبر و ایثار و استقامت را درک می کند!».

- ۱) یعلّم صوم شهر رمضان الصّبر و الایثار و الثّبات للإنسان و یقوی إرادته لقبول المسؤولیة فی مجتمعه!
- ۲) صوم شهر رمضان یقوی إرادة الإنسان لقبول المسرولیة فی المجتمع، لأنّه یدرک فیهِ مفهوم الصّبر و الایثار و الثّبات!
- ۳) كان الصّوم فی شهر رمضان یقوی إرادة الإنسان لقبول المسؤولیة فی المجتمع، و یتعلّم فیهِ الصّبر و النّضحیة و المقاومة!
- ۴) الصّوم فی شهر رمضان یقوی إرادة الإنسان لقبول مسؤولیة فی المجتمع، لأنّه یعلّم الإنسان فی هذا الشهر الصّبر و النّضحیة و الثّبات!

-سراسری-۱۳۹۳

۶۶. «مادر به فرزند کوچکش اجازه نداد که از درخت بالا برود، زیرا میترسید که به زمین بیافتد!»:

- ۱) الأمّ لاتسمح إلى ولدها الصّغیر أن یصعد شجرة و هی تخشی أن یسقط إلى الأرض!
- ۲) ما سمحت الوالدة إلى الولد الصّغیر تسلّق الشجرة، لأنّها خشیت من وقوعه على الأرض!
- ۳) لم تسمح الأمّ لولدها الصّغیر أن یتسلّق الشجرة، لأنّها كانت تخاف أن یسقط على الأرض!
- ۴) كانت الوالدة لاتسمح إلى الولد الصّغیر صعود الشجرة، لأنّها قد خافت أن یقع إلى الأرض!

-سراسری-۱۳۹۳

۶۷. عین الأصحّ و الأدقّ فی الجواب للترجمة:

"وضع العلماء الايرانيون معاجم مهمة و كتباً عديدة للغة العربيّة"

- ۱) دانشمندان ایران مُعجم های مهم و کتاب های گوناگون برای زبان عربی نهاده اند.
- ۲) دانشمندان ایرانی فرهنگ های لغت مهم و کتاب های متعددی برای زبان عربی تألیف کرده اند.
- ۳) علمای ایران فرهنگ های لغت های دارای اهمیت و کتاب های مختلفی برای زبان عربی قرار داده اند.
- ۴) فرهنگ لغات مهم و کتاب های عدیده ای برای زبان عربی توسط علمای ایرانی تألیف شده است.

-سراسری-۱۳۸۳

۶۸. "عین الأصحّ و الأدقّ فی الجواب للترجمه :

"من یعمل لغير الله، یردّ الله أمره إلى من عمله له!"

- ۱) هر کس برای غیر خدا کار کند، خداوند امور او را به همان کسی که برای او کار کرده برمیگرداند!
- ۲) کسانی که برای غیر خدا کاری انجام دهند، خداوند امورشان را به همانها واگذار میکند!
- ۳) اگر کسی کاری برای غیر خدا انجام دهد، خداوند هر کار وی را به عهده او میگذارد!
- ۴) آن کس که برای غیر خدا کار کند، نتیجه کارش را نیز به او واگذار میکند!

-سراسری-۱۳۹۰

۶۹. عین الأصحّ و الأدقّ فی الجواب للترجمه :

لیس هناك حدّ لحاجات الإنسان و لكنّ المصادر محدوده، إذن یجب علینا أن نستفید منها بطرق دقیقه!

- ۱) نیازهای انسان حدّ ندارند و این در حالی است که منابع محدودی دارد، بنابراین بر ما واجب است که با روش دقیقی از آنها استفاده کنیم!
- ۲) حدّ و مرزی برای نیازهای انسان نیست در حالی که منابع او محدود است، بنابراین ما باید با روش های صحیح آن ها را مورد استفاده قرار دهیم!

۳) حاجات انسانی بیحد و مرز است، و با وجود منابع محدود بر ما لازم است که با روش مشخصی این منابع را مورد استفاده قرار دهیم!

۴) برای نیازهای انسان حدّی وجود ندارد در حالیکه منابع محدود است، لذا بر ماست که با روش های دقیقی از آن ها استفاده کنیم!

-سراسری-۱۳۹۴

۷۰. عَيْنِ الْأَصْحَحِّ وَالْأَدَقِّ فِي الْجَوَابِ لِلتَّرْجَمَةِ :

"أنا و زميلاتي بجاحه إلى مدرّسه حاذقه تُعَلِّمنا الدّروس من جديد!"

- (۱) من و همشاگردی هایم معلّم برجسته ای درخواست کرده ایم که درسها را از نو از او تعلیم بگیریم!
- (۲) من و همکلاسی هایم نیازمند مدرّسی ماهر هستیم که درس ها را از نو به ما آموزش دهد!
- (۳) من و دوستانم محتاج مدرس حاذق می باشیم تا دروس را دوباره از او بیاموزیم!
- (۴) من و رفقایم به معلّمی ماهر نیازمندیم تا درسهایمان را مجدّداً به ما یاد بدهد!

-سراسری-۱۳۹۴

۷۱. عاتِب أَخَاكَ بِالْإِحْسَانِ إِلَيْهِ! عَيْنِ الْأَنْسَبِ لِلْمَفْهُومِ

- (۱) بدی گرچه کردن توان با کسی
 - (۲) عتاب دوست خوش باشد ولیکن
 - (۳) برادر آن بود کو روز سختی
 - (۴) بدان را نیک دارید ای عزیزان
- چو نیکی کنی بهتر آید بسی!
مر آن را نیز پایانی بیاید!
تو را یاری کند در تنگ بختی!
که خوبان خود عزیز و نیک روزند

-سراسری-۱۳۹۴

۷۲. عَيْنِ الْأَصْحَحِّ وَالْأَدَقِّ فِي الْجَوَابِ لِلتَّعْرِيبِ

نصیحتگران صالح دیگران را به آنچه قادر بر انجام آن نیستند، وادار نمیکنند. عَيْنِ الصَّحِيحِ:

- (۱) لَا تُلْجِئِ النَّاصِحَاتِ الْمُحْسِنَاتِ النَّاسَ الْآخِرِينَ بِأَمْرِ لَيْسَتْ قَادِرَاتٍ عَلَيْهِ!
- (۲) إِنَّ الْوَاعِظِينَ الْمُحْسِنِينَ لَا يُلْجِئُونَ النَّاسَ الْآخِرِينَ بِمَا لَا يَقْدِرُونَ عَلَيْهِ!
- (۳) لَا تَحْمَلِ الْوَاعِظَاتِ الصَّالِحَاتِ الْآخِرِينَ عَلَيَّ مَا لَيْسُوا قَادِرَاتٍ عَلَى قِيَامِهِ!
- (۴) إِنَّ النَّاصِحِينَ الصَّالِحِينَ لَا يَحْمَلُونَ الْآخِرِينَ شَيْئاً لَا يَقْدِرُونَ عَلَى الْقِيَامِ بِهِ!

-سراسری-۱۳۹۴

۷۳. عَيْنِ الْأَصْحَحِّ وَالْأَدَقِّ فِي الْجَوَابِ فِي التَّعْرِيبِ:

"وقتی دیدم دوستم سه بیت از قصیده را حفظ کرده، من هم ده تا مثل آن را حفظ کردم! "

- (۱) لَمَّا شَاهَدْتُ زَمِيلِي يُحْفَظُ ثَلَاثَةَ آيَاتٍ مِنْ شِعْرِ، أَنَا كَذَلِكَ أَحْفَظُ عَشْرَةَ أَمْثَالِهَا!
- (۲) حِينَ أَشَاهَدُ زَمِيلَتِي تُحْفَظُ ثَلَاثَةَ آيَاتٍ مِنْ قَصِيدِهِ، أَنَا أَيْضاً حَفِظْتُ عَشْرَةَ أَمْثَالِهَا!
- (۳) عِنْدَمَا رَأَيْتُ أَنَّ زَمِيلَتِي قَدْ حَفِظَتْ ثَلَاثَةَ آيَاتٍ مِنَ الْقَصِيدَةِ، أَنَا أَيْضاً حَفِظْتُ عَشْرَةَ أَمْثَالِهَا!
- (۴) حِينَمَا بَرِي زَمِيلِي أَنَّنِي قَدْ حَفِظْتُ ثَلَاثَةَ آيَاتٍ مِنْ هَذِهِ الْقَصِيدَةِ، هُوَ أَيْضاً حَفِظَ عَشْرَةَ أَمْثَالِهَا!

-سراسری-۱۳۹۴

۷۴. عَيْنِ غَيْرِ الْمُنَاسِبِ لِلْمَفْهُومِ:

- (۱) لَنْ يَهْلِكَ امْرَأَةٌ عَرَفَ قَدْرَ نَفْسِهِ! جَائِي بِنَشِيْنٍ كَهَ بَرْنَخِيْزَانْدَتِ!
- (۲) كَأَنَّ إِرْضَاءَ النَّاسِ غَايَهُ لَا تُدْرِكُ! زَنْدَكِي بَهَ مِرَادِ مَرْدَمِ نَتَوَانَ كَرْدِ!
- (۳) الْمَرْءُ عَلَيَّ دِيْنِ خَلِيْلِهِ وَ قَرِيْنِهِ! تُوْ أَوَّلِ بَكُوْ بَا كِيَانِ زَيْسْتِي بَسْ أَنْكِهَ بَكُوِيْمِ كَهَ تُو كِيَسْتِي!
- (۴) عَاتِبَ أَخَاكَ بِالْإِحْسَانِ إِلَيْهِ! عِتَابِ دُوسْتِ خُوشِ بَاشْدِ وَ لِيَكْنَ مِرْ آنِ رَا نِيْزِ پَايَانِي بِيَايْدِ!

-سراسری-۱۳۹۴

۷۵. عَيْنِ الْأَصْحَحِّ وَالْأَدَقِّ فِي الْأَجْوِبَةِ لِلتَّرْجَمَةِ أَوْ التَّعْرِيبِ أَوْ الْمَفْهُومِ

«أشكر الله على هذه الأيام الماطره، قد طاب الهواء و أنا الآن أشاهد ظاهره قوس قزح مع ألوانها الجميله!»

- (۱) خدا را به خاطر این روزهای بارانی شکر میکنم، هوا پاک شده است و من الآن پدیده قوس قزح را با رنگهای زیبایش مشاهده میکنم!
- (۲) خدا را به خاطر روزهای پر باران کنونی شکر خواهم کرد که هوا را پاک کرده، و من اکنون شاهد رنگهای زیبای قوس قزح هستم!
- (۳) خدا را برای این روزهای پر بارانی که هوا پاک شده و اکنون میتوانم پدیده رنگین کمان و رنگ های آن را ببینم، شکرگزارم!
- (۴) خدا را شاکرم برای این روزها که باران میبارد، هوا پاک شده و من میتوانم رنگینکمان و رنگ های زیبای آن را ببینم!

-سراسری-۱۳۹۳

۷۶. عَيْنُ الْأَصْحٰ وَ الْأَدَقُّ فِي الْأَجْوِبَةِ لِلتَّرْجِمَةِ أَوْ التَّعْرِيبِ أَوْ الْمَفْهُومِ

«فِي انْتِهَاءِ مَمَرِ مَدْرَسَتِنَا نَافِذَهُ تَفْتَحُ عَلٰی مَنْظَرِ جَمِيلٍ، أَسْرَعُ أَنَا لِرُؤْيَتِهَا بِاشْتِيَاقٍ حِينَمَا يُدَقُّ الْجَرَسُ!»

- ۱) در آخر راهرویی در مدرسه ما پنجره‌ای هست که به منظره زیبایی باز شده، هر وقت زنگ می‌خورد، من با اشتیاق برای دیدن منظره می‌شتابم!
- ۲) در انتهای راهروی مدرسه ما پنجره‌ایست که به منظره زیبایی باز می‌شود، وقتی زنگ می‌خورد، من با اشتیاق برای دیدن پنجره می‌شتابم!
- ۳) در انتهای این راهرو از مدرسه‌ی ما پنجره‌ای به سمت تابلویی از طبیعت باز می‌شود که بعد از زنگ، من با اشتیاق به دیدنش می‌شتابم.

۴) در آخر راهروی مدرسه ما آن پنجره به یک تابلوی زیبای طبیعی باز می‌شود، موقع زنگ برای دیدنش مشتاقانه می‌شتابم!

-سراسری-۱۳۹۳

۷۷. عَيْنُ الْأَصْحٰ وَ الْأَدَقُّ فِي الْأَجْوِبَةِ لِلتَّرْجِمَةِ أَوْ التَّعْرِيبِ أَوْ الْمَفْهُومِ

«مَنْ يَتَأَمَّلُ قَبْلَ الْكَلَامِ يَسْلَمُ مِنَ الْخَطَا!» عَيْنُ الْمُنَاسِبِ لِلْمَفْهُومِ

- ۱) لم تقولون ما لا تفعلون
- ۲) سخندان پرورده پیر کهن
- ۳) إذا تمّ العقل نقص الكلام!
- ۴) سخن تا نپرسند لب بستهدار
- بیندیشد آنگه بگوید سخن!
- گهر نشکنی تیشه آهسته‌دار!

-سراسری-۱۳۹۳

۷۸. عَيْنُ الْأَصْحٰ وَ الْأَدَقُّ فِي الْأَجْوِبَةِ لِلتَّرْجِمَةِ أَوْ التَّعْرِيبِ أَوْ الْمَفْهُومِ

عَيْنُ الصَّحِيحِ: «مَشْكَلُ كَسَانِي كِه فِكْر بَسْتِه دَارِنْد اَيْن اِسْت كِه دِهَانِشَان پِيوسْتِه بَاز اِسْت!»

- ۱) مشكله من لهم فكر مُغْلَقٌ أَنْ فَمِهْمُ مَفْتُوحٌ دَائِمًا!
- ۲) مشكل الذين فكرهم يغلق أَنْ لهم لسانا دائما ينطق!
- ۳) إِنَّ المشكل لدن الذين فكر هم مغلقة أَنْ لسانهم يتكلم دائما!
- ۴) إِنَّ مشكله الذين فمهم مفتوح دائماً هو أنه ليس لهم فكر مفتوح!

-سراسری-۱۳۹۳

۷۹. عَيْنُ الْأَصْحٰ وَ الْأَدَقُّ فِي الْجَوَابِ لِلتَّرْجِمَةِ:

إِنْ لَمْ يَخْضَعِ الْمَظْلُومُونَ لِحُدُوعِ الظَّالِمِينَ سَيُغْلِبُونَ عَلَيْهِمْ عَاجِلًا أَمْ أَجَلًا :

- ۱) اگر مظلومان تسلیم نیرنگ های ظالمان نشوند، دیر یا زود بر آنها غلبه خواهند کرد!
- ۲) هرگاه ستم‌دیدگان اسیر خدعه های ظالمان نگردند، بسیار زود بر آنها غالب خواهند شد!
- ۳) ستم‌دیدگان اگر به خدعه های ستمکاران تسلیم نگردند، در آینده ای نزدیک بر آنها غلبه خواهند یافت!
- ۴) مظلومان چنانچه زیر بار نیرنگ و خدعه‌ی ستمکاران نروند، به همین زودی بر آنها چیره خواهند شد!

-سراسری-۱۳۸۲

۸۰. عَيْنُ الْأَصْحٰ وَ الْأَدَقُّ فِي الْجَوَابِ لِلتَّرْجِمَةِ أَوْ التَّعْرِيبِ أَوْ الْمَفْهُومِ: "

عَيْنُ الصَّحِيحِ:

- ۱) لِيَكُنْ طَرِيقُ الْاِنْتِظَاقِ نَحْوَ الْغَايَاتِ السَّامِيَةِ! : راه تو شتافتن به سوی هدف های معین می باشد!
- ۲) صَدَّقَ فِي أَعْمَالِكَ وَ لَا تَنْسَ أَنْ اِلله يَرَانَا: در اعمال خود صادق باش اگر فراموش نکرده ای که خداوند ناظر بر ماست!
- ۳) اَقِمْ صَلَاتَكَ وَ آتِ زَكَاةَ الْعِلْمِ لِتُفْلِحَ فِي الْحَيَاةِ! : نماز خود را بر پای بدار و زکات علم را بپرداز تا در زندگی رستگار شوی!
- ۴) مَنْ يَلْعَبُ هُنَا نَوْرًا مُتَمَيِّزًا يَقْضِي حَيَاتَهُ نَاجِحًا! : کسی که در این جا نقش متمایزی به عهده بگیرد، با موفقیت بر زندگی چیره می شود!

-سراسری-۱۳۸۲

۸۱. عَيْنُ الْأَصْحٰ وَ الْأَدَقُّ فِي الْجَوَابِ لِلتَّرْجِمَةِ أَوْ التَّعْرِيبِ أَوْ الْمَفْهُومِ: "

العلاج الواقى خيرٌ من الدواء الشافى! مفهوم العبارة هو:

- ۱) أفضل العلاج هو تناول الدواء الشافى.
- ۲) يجب الاجتناب عما يُسبب المرض.
- ۳) يجب الذهاب إلى الطبيب و استشارته.
- ۴) اجتناب تناول الدواء قبل إذن الطبيب.

-سراسری-۱۳۸۲

۸۲. عَيْنِ الْأَصْحَ وَالْأَدَقِّ فِي الْجَوَابِ لِلتَّرْجَمَةِ أَوْ التَّعْرِيبِ أَوْ الْمَفْهُومِ:"

«و با ظالمان دشمنی می کنی و مظلومان را کمک می نمایی!». عین الخطأ:

- (۱) إِنَّكَ تُخَاصِمِينَ الظَّالِمِينَ وَ تُعِينِينَ الْمَظْلُومِينَ!
 (۲) أَنْتَ تُخَاصِمُ الظَّالِمِينَ وَ تُعِينُ الْمَظْلُومِينَ!
 (۳) أَنْتِ تَخَاصِمِينَ الظَّالِمِينَ وَ تُعِينِينَ الْمَظْلُومِينَ!
 (۴) إِنَّكَ تَخَاصَمْتَ الظَّالِمِينَ وَ أَعَنْتَ الْمَظْلُومِينَ!

-سراسری-۱۳۸۲

۸۳. «انسان با تلاش خود می تواند مشکلات و سختیها را پشت سر بگذارد؛ عَيْنِ الْخَطَأِ فِي الْمَفْهُومِ:

- (۱) يَسْعَى الْإِنْسَانُ نَفْسَهُ لِحَلِّ الْمَصَاعِبِ مَعَ الْآخِرِينَ!
 (۲) إِنَّمَا تَغْلِبُ الْإِنْسَانَ عَلَى مَشَاكِلِهِ بِحَصْلِ بَسْعِيهِ وَ جِهْدِهِ!
 (۳) إِنَّمَا عَلَى الْإِنْسَانِ السَّعْيُ ، فَحِينَئِذٍ حَلَّ مَشَاكِلِهِ!
 (۴) لَيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى ، فَحِينَئِذٍ يُصْبِحُ قَادِرًا عَلَى تَذْلِيلِ الْمَصَاعِبِ!

-سراسری-۱۳۸۲

۸۴. عَيْنِ الْأَصْحَ وَالْأَدَقِّ فِي الْأَجُوبَةِ لِلتَّرْجَمَةِ: "

الصورة الحسنة لادوام لها، فكن ذا سيرة حسنة ليذكرك الناس بالخير في المستقبل!

- (۱) روی زیبا با دوام نیست، پس سیرت نیک داشته باش، تا بعدها مردم از تو به خوبی یاد کنند!
 (۲) صورت زیبا هیچ دوامی ندارد، پس نیکو سیرت باش تا در آینده مردم تو را به نیکی یاد کنند!
 (۳) برای چهره ی زیبا ثباتی نیست، پس خوش اخلاق باش، که مردم پس از این، تو را به نیکی یاد خواهند کرد!
 (۴) روی خوب دوام اندکی دارد، پس سیرتت را نیک بدار که مردم در آینده از تو به خوبی یاد خواهند کرد!

-سراسری-۱۳۹۱

۸۵. عَيْنِ الْأَصْحَ وَالْأَدَقِّ فِي الْأَجُوبَةِ لِلتَّرْجَمَةِ:

على البخيل أن لا يشتكى حياته المحقرة لأنه قد انتخبها بنفسه!

- (۱) کسی که بخیل است زندگی محقر را خود پذیرفته، پس نباید از آن شکایتی کند!
 (۲) بر بخیل واجب است که زندگی فقیرانه ای که خود انتخاب کرده بپذیرد، و شکایتی نکند!
 (۳) انسان بخیل لازم نیست از زندگیش که محقر است شکایت کند، زیرا انتخاب خود اوست!
 (۴) انسان بخیل نباید از زندگی حقیرانه ی خود شکایت کند، زیرا خود آن را انتخاب کرده است!

-سراسری-۱۳۹۱

۸۶. «بد اصل گدا، چه خواجه گردد نه نکوست مغرور شود، نداند از دشمن دوست!» عَيْنِ الْمُنَاسِبِ لِلْمَفْهُومِ:

- (۱) كُلُّ إِنَاءٍ يَتَرَشَّحُ بِمَا فِيهِ!
 (۲) لَا يَصْبِرُ الْعَدُوَّ صَدِيقًا بِالتَّعَطُّفِ!
 (۳) مَنْ قَصَدَ الْبَحْرَ اسْتَقَلَّ السَّوَابِقِ!
 (۴) طَارَ الْوُشَاةُ عَلَى صَفَاءِ وَدَادِهِمْ

-سراسری-۱۳۹۱

۸۷. "او تاکنون دوازده کتاب چاپ کرده است، کتاب پنجم او را در کتابخانه دیدم و برای مدت هفت روز به امانت گرفتم." عَيْنِ

الصَّحِيحِ فِي الْأَجُوبَةِ لِلتَّعْرِيبِ:

- (۱) كَانَتْ طُبِعَتْ إِثْنَتَا عَشْرَةَ كِتَابًا مِنْهُ حَتَّى الْآنَ، شَاهَدْتُ الْكِتَابَ الْخَامِسَ مِنْهُ فِي الْمَكْتَبَةِ وَ اسْتَعْرَثَهُ لِمَدَّةِ سَبْعِ أَيَّامٍ!
 (۲) كَانَ قَدْ طُبِعَ اثْنَا عَشَرَ كِتَابًا حَتَّى الْآنَ، أَشَاهَدُ خَمْسَةَ كِتَابٍ مِنْهُ فِي الْمَكْتَبَةِ وَ اسْتَعْرَثْتُهَا لِمَدَّةِ الْيَوْمِ السَّابِعِ!
 (۳) إِنَّهُ قَدْ طُبِعَ اثْنَتَا عَشَرَ كِتَابًا حَتَّى الْآنَ، شَاهَدْتُ كِتَابَهُ الْخَامِسَ فِي الْمَكْتَبَةِ وَ اسْتَعْرَثْتَهُ لِمَدَّةِ سَبْعَةِ أَيَّامٍ!
 (۴) إِنَّهَا طُبِعَتْ اثْنَتَا عَشْرَةَ كِتَابًا حَتَّى الْآنَ، رَأَيْتُ الْكِتَابَ الْخَامِسَ فِي الْمَكْتَبَةِ وَ اسْتَعْرَثْتُهَا لِمَدَّةِ سَبْعَةِ أَيَّامٍ!

-سراسری-۱۳۹۱

۸۸. عَيْنِ الْأَصْحٰ وَ الْأَدَقِّ فِي الْجَوَابِ لِلتَّرْجَمَةِ:

- «شاهدت رجال إطفاء الحريق يسرعون إلى الحريق و لكّهم ما استطاعوا أن يطفئوا النار!» : مأموران آتش نشانی را
 (۱) دیدم که شتابان بسوی آتش سوزی می رفتند، ولی نتوانستند آتش را خاموش کنند!
 (۲) در حالی مشاهده کردم که بسوی آتش می رفتند تا آن را خاموش کنند، ولی نتوانستند!
 (۳) با عجله مشاهده کردم که به سمت محل آتش سوزی می روند تا آن را خاموش کنند، اما نتوانستند!
 (۴) وقتی دیدم که به سمت محل آتش سوزی می دوند تا آن را خاموش نمایند، ولی نتوانستند آتش را خاموش کنند!

-سراسری-۱۳۸۸

۸۹. عَيْنِ الْأَصْحٰ وَ الْأَدَقِّ فِي الْجَوَابِ لِلتَّرْجَمَةِ:

- «الحلم و الوقار نعمتان يُزَيِّنُ اللهُ بهما من يشاء!» : حلم و وقار
 (۱) دو نعمتی هستند که هرکس بخواد ، خداوند او را بدانها می آراید!
 (۲) دو نعمتی هستند که خداوند هرکس را بخواد بدانها مزین می کند!
 (۳) از نعمتهایی هستند که خداوند اگر بخواد افراد بدان مزین می شوند!
 (۴) همان نعمتهایی هستند که آنکه مایل باشد، خداوند او را بدان زینت می بخشد!

-سراسری-۱۳۸۸

۹۰. عَيْنِ الصَّحِيحِ فِي التَّرْجَمَةِ:

- (۱) ذهب الصيادون إلى البحر و رموا شبكاتهم فيه، : صیادان به دریا رفتند و تورهای خود را در آن انداختند،
 (۲) و كلّ شبكة صادت أسماكاً، و لكنّ بعضها تخلّصت منها ذلك اليوم، : پس تورها ماهیان را صید می کرد ولی آن روز تعدادی از آنها خلاص شدند،
 (۳) و بعض آخر سيقع في الشبكة غداً و لا ينجوا منها أبداً، : و تعدادی دیگر هرگز از آن رهایی نخواهند یافت و فردای آن روز در دام افتادند،
 (۴) إنّ الدنيا كشبكة الصيادين ، إن وقع فيها الإنسان لن ينجو منها أبداً! : دنیا نیز چون تورهای ماهیگیری است که اگر فردی در آن بیفتد نجات نمی یابد!

-سراسری-۱۳۸۸

۹۱. عَيْنِ الْخَطَأِ فِي الْأَجْوِبَةِ لِلتَّرْجَمَةِ:

- (۱) ينبغي لك أن تصفح عن خطأ صديقك مهما قل! : شایسته است که اشتباه دوستت را هر قدر هم اندک باشد تکرار نکنی!
 (۲) لا تنس أنك عاهدتني أن تحفظني في المواطن كلّها! : فراموش مکن به من قول دادی که مرا در همه ی جاها حفظ کنی!
 (۳) ما أعظم المرء الذي يستقلّ جوده الكثير إلى الآخرين! : چه بزرگ است انسانی که سخای زیاد خود را نسبت به دیگران، اندک می شمارد!
 (۴) كانت المدرسة تضجّ بأصوات التلاميذ الذين يلعبون كرة القدم! : مدرسه مالا مال از صداهای دانش آموزانی بود که فوتبال بازی می کردند!

-سراسری-۱۳۸۸

۹۲. عَيْنِ الْخَطَأِ فِي الْجَوَابِ لِلتَّعْرِيبِ:

- (۱) هیچ رنگی همچون رنگ سبز، شادی را در وجودم بر نمی انگیزد! : لا لون يبعث السرور في نفسي مثل اللون الأخضر!
 (۲) توانم را بخاطر کار زیاد از دست دادم، ولی آن را به تدریج باز یافتم! : فقدت طاقتی بسبب العمل الكثير، ولكنّي إستعدتها تدريجياً!
 (۳) خوشا به حال تو، زیرا همیشه برای مواجه شدن با سختیها آماده تر از من هستی! : طوبی لك، لأتک دائماً أكثر إستعداداً منّي لمواجهة الشدائد!
 (۴) آیا می دانید که شتر می تواند هفته ها بدون غذا یا آب زنده بماند! : أعلمتم أنّ الجمل قادرة على أن يبقى الأسبوع كلّه بدون الطعام أو الماء!

-سراسری-۱۳۸۸

۹۳. عَيْنِ الْأَصْحِ وَالْأَدَقِّ فِي الْأَجْوِبَةِ لِلتَّرْجُمَةِ:

"شعرت بأنَّ الشيطان يُقَهِّهه و يسخر منِّي عند عصياني ربِّي!

- ۱) گوئی شیطان قهقهه می زد و مرا مسخره می کرد زمانی که پروردگارم را نافرمانی کردم!
- ۲) هنگام نافرمانی از پروردگارم احساس کردم که شیطان قهقهه می زند و مرا مسخره می کند!
- ۳) هرگاه بر پروردگارم عصیان می کنم احساس می کنم مورد تمسخر و قهقهه ی شیطان واقع شده ام!
- ۴) احساس کردم گوئی این قهقهه ی شیطان است که هنگام عصیان من بر پروردگار مرا مسخره می کند!

-سراسری-۱۳۹۰

۹۴. عَيْنِ الصَّحِيحِ فِي الْجَوَابِ لِلتَّرْجُمَةِ:

- ۱) أَوَّلُ مَسْئُولِيَّةِ الْمَرْأَةِ الْمَهْمَةُ الْإِهْتِمَامُ بِالْأُسْرَةِ : نخستین مسؤولیت مهم زن توجه به خانواده است.
- ۲) فَالْأَخْلَاقِيَّاتُ الَّتِي نَشَاهَدُهَا خَارِجَ الْبَيْتِ نَتِيجَةُ تَرْبِيَةِ الْأُمِّ : پس اخلاقیاتی که بیرون خانه مشاهده می شود در نتیجه ی تربیت مادران است.
- ۳) لِذَلِكَ نَعْتَقِدُ أَنَّ إِصْلَاحَ الْمَجْتَمَعِ الْحَقِيقِيِّ يَتَمَكَّنُ عَلَي الْمَرْأَةِ : به همین خاطر معتقدیم که اصلاح جامعه ی حقیقی بر وجود زن متمرکز می باشد.
- ۴) وَ مِنْ مَسْئُولِيَّاتِ الْمَرْأَةِ الْأُخْرَى مَشَارَكَتُهَا فِي الْخِدْمَاتِ الْاجْتِمَاعِيَّةِ : و از دیگر مسؤولیت های زنان حضور آنان در خدمات اجتماعی خواهد بود!

-سراسری-۱۳۹۰

۹۵. عَيْنِ الصَّحِيحِ فِي التَّعْرِيْبِ:

«فقط انسان ضعیف به نامیدی اجازه می دهد که در قلبش نفوذ کند!»

- ۱) إِنَّمَا الضَّعِيفُ يَسْمَحُ لِلْقَلْبِ أَنْ يَتَسَرَّبَ فِيهِ الْيَأْسُ!
- ۲) لَا يَسْمَحُ الضَّعِيفُ لِلْيَأْسِ أَنْ لَا يَتَسَرَّبَ فِي قَلْبِهِ!
- ۳) إِنَّمَا يَسْمَحُ الضَّعِيفُ لِلْيَأْسِ أَنْ يَتَسَرَّبَ إِلَى قَلْبِهِ!
- ۴) لَا يَأْذُنُ الْيَأْسُ أَنْ يَتَسَرَّبَ فِي الْقَلْبِ إِلَّا الضَّعِيفُ!

-سراسری-۱۳۹۰

۹۶. عَيْنِ الْخَطَأِ فِي التَّعْرِيْبِ:

- ۱) به مادر سالخورده ات احترام بگذار تا خشنودی خدا را بدست آوری!: احترمى أُمك العجوز لتتألى رضاالله
- ۲) معلم به من پیشنهاد کرد که به دوستم در فهم زبان عربی کمک کنم!: اقترح معلمى على أن أساعد صديقى فى فهم اللّغة العربية
- ۳) برادر خردسالم هرگز در اتاق تاریک نمی خوابد زیرا از تاریکی می ترسد!: لا ينام أخى الصغير فى الغرفة المظلمة أبداً لأنّه يخاف من الظلمة
- ۴) ما به علت زیادى تکالیف درسی مان نمی توانیم به مهمانی برویم!: نحن لم نقدر بسبب كثرة الواجبات المدرسية حتى نذهب إلى ضيافة

-سراسری-۱۳۹۰

۹۷. عَيْنِ الْأَصْحِ وَالْأَدَقِّ فِي الْجَوَابِ لِلتَّرْجُمَةِ: "

«إلهی! إذا كنت حاضراً فما أطلبُ ، و إذا كنت ناظراً فما أقول!» : خدایا!

- ۱) چون تو حاضری چه جویم و چون تو ناظری چه گویم!
- ۲) هرگاه حاضر بودی چیزی نخواستم و هرگاه ناظر بودی هیچ نگفتم!
- ۳) وقتی که حاضر و ناظر هستی پس من نه چیزی می خواهم و نه چیزی می گویم!
- ۴) در آن زمان که تو حضور داری هیچ نمی خواهم و در آن زمان که تو ناظری هیچ نمی گویم!

-سراسری-۱۳۸۵

۹۸. عَيْنِ الْأَصْحَ وَالْأَدَقِّ فِي الْجَوَابِ لِلتَّرْجَمَةِ:

«قد وقف العلماء حياتهم المثمرة في سبيل تقدّم البشريّة»

- ۱) فرزندگان حیات پر ثمری را در راه پیشرفت انسانی صرف کرده اند.
- ۲) عالمان زندگی پر مایه ی خویش را در زمینه ی توسعه ی انسانی وقف ساخته اند.
- ۳) اندیشمندان عمر گرانبهائی را در طریق پیشروی بشریت صرف کرده اند.
- ۴) دانشمندان زندگی ثمر بخش خود را در راه پیشرفت انسانیت وقف کرده اند.

-سراسری-۱۳۸۵

۹۹. «پدران و مادران، در جستجوی معلّمانی ماهر برای تربیت فرزندانشان می باشند»: عین الصحیح فی التعریب:

- ۱) الأباء و الأمهات یفتشّان معلّمن ماهرین فی تربية أولادهم. ۲) یفتشّ الأباء و الأمهات عن معلّمین حاذقین لتربية أولادهم.
- ۳) إنّ الوالدين یریدان المعلّمان الماهران لتربية أبنائهم. ۴) الوالدان یبحثون المعلّمین الحاذقین فی تربية أبنائهم.

-سراسری-۱۳۸۵

۱۰۰. " عَيْنِ الْأَصْحَ وَالْأَدَقِّ فِي الْجَوَابِ لِلتَّرْجَمَةِ ":

تأثرات الطالبات بکلام معلّمتن عمیقاً فتغیّر أسلوب تعلّمهن!

- ۱) دانش آموزان از کلمات معلم خویش تأثیر ژرفی پذیرفته بنابراین اسلوب آموزش آن ها دگرگون می شود!
- ۲) دانشجویان از حرف معلم خویش عمیقاً متأثر شدند لذا نحوه ی آموزش خود را عوض کردند!
- ۳) شاگردان از سخن معلم خود تأثیر عمیقی پذیرفتند و شیوه ی آموختن خویش را تغییر دادند!
- ۴) دانش آموزان عمیقاً تحت تأثیر سخن معلم خود قرار گرفتند لذا روش آموختن آن ها تغییر کرد!

-سراسری-۱۳۸۳

۱۰۱. عَيْنِ الْأَصْحَ وَالْأَدَقِّ فِي التَّرْجَمَةِ:

"لا تُكْتَسَبُ الْعِزَّةُ إِلَّا بِبَذْلِ الْجَهْدِ فِي سَبِيلِهَا!

- ۱) سربلندی را جز با صرف تلاش در راه آن به دست نمی آوری!
- ۲) عزت جز با کوشش و جدّیت به دست نمی آید!
- ۳) عزّت جز با بذل تلاش و کوشش در راه آن به دست نمی آید!
- ۴) عزت کسب نخواهد شد جز با صرف تلاش و کوشش!

-سراسری-۱۳۸۱

۱۰۲. عَيْنِ الْأَصْحَ وَالْأَدَقِّ فِي الْأَجْوِبَةِ لِلتَّرْجَمَةِ:

«العالمُ یقوم بالعمل و لن یستطیع أحد أن یفرّ من هذه السُّنَّةِ الإلهیة، أنت أيضاً إن تدركها تفز!»

- ۱) دنیا با کار و فعالیت اداره می شود، و هیچ کس از این سنتّ خدایی فرار نخواهد کرد، تو نیز چنانچه آن را درک کنی پیروز می شوی!
- ۲) عالم بر کار برپاست، و هیچ کس نخواهد توانست از این سنتّ الهی رهایی یابد، تو نیز اگر آن را درک کنی رستگار می شوی!
- ۳) هستی قائم بر کار است و احدی نتوانسته است از این قانون الهی نجات یابد، و تو نیز اگر درکش کردی پیروز خواهی شد!
- ۴) جهان بر پایه ی کار استوار است، احدی نمی تواند از آن رهایی یابد، البته اگر تو آن را بفهمی رستگار خواهی شد!

-سراسری-۱۳۹۲

۱۰۳. عَيْنِ الْأَصْحَ وَالْأَدَقِّ فِي الْأَجْوِبَةِ لِلتَّرْجَمَةِ

«الظَّبِيُّ كَأَنَّهُ إِنْسَانٌ شَاعِرٌ يُدْرِكُ جَمَالَ اللَّيْلِ وَ هُوَ يَرْقُبُ الْقَمَرَ بِعَجَابٍ كَثِيرٍ!»:

- ۱) این آهو چون انسانی است شاعر که قدر شب زیبا را دانسته و نظاره گر زیبایی ماه است!
- ۲) چه بسا آهو انسانی است شاعر که قدر زیبایی شب را می داند و ماه را با تعجب بسیار نظاره می کند!
- ۳) آهو گویی انسانی شاعر است که زیبایی شب را درک می نماید و با شگفتی بسیار ماه را نظاره می کند!
- ۴) گویی که این آهو همچون انسان شاعری است که شب زیبا را درک می کند و بطوری عجیب نظاره گر ماه است!

-سراسری-۱۳۹۲

۱۰۴. عَيْنِ الْأَصْحٰ وَ الْأَدَقُّ قِي الْأَجْوِبَةِ لِلتَّرْجَمَةِ:

- «زود الله كلاً من مخلوقاته بخصائص ممتازة حتى يستفيد منها في الحفاظ عن نفسه مقابل خشونة الحياة!»
- (۱) خدا هر یک از مخلوقاتش را خصوصیت ممتازی بخشیده تا با آن خود را در زندگی خشن و سخت حفاظت کند!
- (۲) خدا همه مخلوقات را به خصایل برجسته ای مجهز کرده تا آنها را در حفاظت از خود در برابر ناملایمات زندگی بکار گیرند!
- (۳) خداوند به هر کدام از آفریده ها خصلت ممتازی داده تا بدان وسیله بتوانند از خود در مقابل خشونت زندگی محافظت نمایند!
- (۴) خداوند هر یک از آفریدگانش خصوصیتی برجسته تجهیز کرده تا از آنها در حفاظت از خویش در مقابل خشونت زندگی استفاده کند!

-سراسری-۱۳۹۲

۱۰۵. «نیک و بد روزگار در گذر است». عَيْنِ الْمُنَاسِبِ لِلْمَفْهُومِ :

- (۱) و اغتنم عمرک آیام الصِّبا
فهو إن زاد مع الشَّيبِ نقص!
- (۲) رأیت الذَّهرَ مختلِفاً یور
فلا حزن یوم و لا سرور!
- (۳) قَصَّرَ الْأَمَلُ فِي الدُّنْيَا تَفْز
فدلیل العقل تقصیر الأمل
- (۴) و ما المال و الأهلون إلا ودائع
و لا بدَّ یوماً أن تردَّ الودائع!

-سراسری-۱۳۹۲

۱۰۶. عَيْنِ الْأَصْحٰ وَ الْأَدَقُّ فِي الْأَجْوِبَةِ لِلتَّعْرِيبِ

- «زمین به جاذبه خود مباهات می کرد در حالیکه پرندگان می خندیدند!»
- (۱) كانت الأرض تفخر بجاذبیتها و الطیور تضحک!
- (۲) إنَّ الأرض تفتخر بالجاذبیة لها و الطیور ضاحكة!
- (۳) إنَّ الأرض أصبحت تفاخر بجذبها و كانت الطیور تضحک!
- (۴) كانت الأرض تفاخر بقدره جذبها و أصبحت الطیور ضاحكة!

-سراسری-۱۳۹۲

۱۰۷. عَيْنِ الْأَصْحٰ وَ الْأَدَقُّ فِي الْأَجْوِبَةِ لِلتَّعْرِيبِ

- «برای رساله خود مقدمه ای در هشت صفحه نوشتم و دو هفته قبل سه صفحه آخر آن را تصحیح کردم!»
- (۱) أَلَفْتُ ثَمَانِي صَفَحَاتٍ لِمَقْدَمَةِ رِسَالَتِي وَ قَبْلَ أُسْبُوعَيْنِ صَحَّحْتُهَا ثَلَاثَةَ صَفَحَاتٍ مِنْ آخِرِهَا!
- (۲) أَلَفْتُ ثَمَانِي صَفَحَاتٍ لِمَقْدَمَتِي فِي الرِّسَالَةِ وَ صَحَّحْتُ ثَلَاثَ صَفَحَاتٍ مِنْهَا قَبْلَ أُسْبُوعَيْنِ!
- (۳) كَتَبْتُ لِرِسَالَتِي مَقْدَمَةً فِي ثَمَانِي صَفَحَاتٍ وَ صَحَّحْتُ ثَلَاثَ صَفَحَاتٍ مِنْ آخِرِهَا قَبْلَ أُسْبُوعَيْنِ!
- (۴) لِرِسَالَتِي كَتَبْتُ مَقْدَمَةً فِي ثَمَانِي صَفَحَاتٍ وَ صَحَّحْتُهَا قَبْلَ أُسْبُوعَيْنِ اثْنَيْنِ ثَلَاثَ صَفَحَاتٍ مِنْهَا!

-سراسری-۱۳۹۲

۱۰۸. عَيْنِ الْأَصْحٰ وَ الْأَدَقُّ فِي الْأَجْوِبَةِ لِلتَّرْجَمَةِ:

- «الیوم حاولت أن أعطی ذلك العامل هدیة تُقَلِّلُ مِنْ تَعَبِ عَمَلِهِ!»
- (۱) تلاش من امروز این بود که با دادن هدیه ای به آن کارگر از سختی کارش بکاهم!
- (۲) امروز تلاش کردم به آن کارگر هدیه ای بدهم که از سختی کارش کم کند!
- (۳) امروز سعی نمودم که با دادن هدیه از سختی کار آن کارگر بکاهم!
- (۴) با تلاش امروزم در دادن هدیه به آن کارگر سختی عمل او کم شد!

-سراسری-۱۳۹۲

۱۰۹. عَيْنِ الْأَصْحٰ وَ الْأَدَقُّ فِي الْجَوَابِ لِلتَّرْجَمَةِ:

- في غابات بلدنا الخضراء أشجار كثيرة
- (۱) در جنگل های سرزمین سبز ما درختان فراوان وجود دارد. (۲) در شهر سرسبز ما جنگل هایی با درختان بسیار هست.
- (۳) در جنگل های سرسبز سرزمین ما درختان بسیاری هست. (۴) درختان فراوان در جنگل های سرزمین سبز ما وجود دارد.

-سراسری-۱۳۸۳

۱۱۰. «ألم تَرَوا كيف خلق اللهُ سبعَ سماواتٍ طباقاً»

- (۱) آیا نمی بینید خداوند هفت آسمان تو در تو را خلق کرده است!
- (۲) آیا نیاندیشیده‌اید که الله هفت آسمانی خلق کرده که تو در تو بوده است!
- (۳) آیا نمی‌اندیشید چگونه الله آسمان‌های هفت گانه را طبقه بر طبقه آفریده است!
- (۴) آیا ندیده‌اید که خداوند چگونه هفت آسمانی آفریده است که طبقه طبقه است!

-سراسری-۱۳۹۵

۱۱۱. «اللهم! قد جعلت لنا عديدة في الدنيا حتى تُرَيِّبنا، فيسّر لها أنت علينا أيضاً»:

- (۱) خدایا، در دنیا مشکلات متعدّدی را برای ما قرار داده‌ای تا ما را تربیت کنی، پس تو خود نیز آن‌ها را بر ما آسان کن!
- (۲) پروردگارا! مصیبت‌های مختلفی را در دنیا برای ما گذاشتی تا تربیت شویم، پس تو نیز آن‌ها را برایمان آسان می‌کنی!
- (۳) پروردگارا! مصیبت‌های متعدّدی را در دنیایمان گذاشته‌ای تا پرورشمان دهی، پس خودت نیز آن‌ها را بر ما آسان کن!
- (۴) خدایا! در دنیا مشکلات مختلفی را برایمان نهاده‌ای تا تربیتمان کنی، پس تو خود نیز آن‌ها را برایمان آسان می‌کنی!

-سراسری-۱۳۹۵

۱۱۲. «مفتاح الهدوء هو ان نعلم أنه لرأي الأخرين في حياتنا!»:

- (۱) کلید آرام بودن این است که نظر دیگران در زندگی ما هیچ تأثیری ندارد!
- (۲) کلید آرامش یعنی بدانیم برای رأی دیگران در زندگی ما اثری وجود ندارد!
- (۳) کلید آرامش آن است که بدانیم نظر دیگران هیچ تأثیری در زندگی ما ندارد!
- (۴) کلید آرام بودن آن است که می‌دانیم برای رأی دیگران در زندگی ما اثری وجود ندارد!

-سراسری-۱۳۹۵

۱۱۳. «إذا أسماءك أخذُ مقابل مروءتك إليه، فلا تخير النَّاسَ بما فعل بك حتى لا تزول المروءة في الدنيا!»:

(۱) هنگامی که کسی در مقابل جوانمردیت به او، به تو بدی کرد، مردم را از آن چه با تو کرده باخبر مکن تا جوانمردی در دنیا از بین نرود!

- (۲) آن گاه که کسی در برابر جوانمردی تو بدی کند، به مردم درباره آن چه با تو کرده است، چیزی مگو تا جوانمردی در دنیا باقی بماند!
- (۳) چنان چه بدی کردن شخصی به تو در برابر مروّت تو بود، آن را برای مردم دیگر بازگو مکن، تا جوانمردی در دنیا باقی بماند!
- (۴) اگر شخصی مقابل مروّت تو، بدخواه تو بود، آن چه را با تو کرده به دیگر مردم بازگو مکن، تا جوانمردی در دنیا از بین نرود!

-سراسری-۱۳۹۵

۱۱۴. «و عباد الرّحمن الذين يمشون على الأرض هونا». عین غیر المناسِب للمفهوم:

- (۱) تواضع سر رفعت افزازدت
تکبّر به خاک اندر اندازدت!
- (۲) رهرو آن نیست که گه تند و گه خسته رود
رهرو آن است که آهسته و پیوسته رود!
- (۳) افتادگی آموز اگر طالب فیضی
هرگز نخورد آب، زمینی که بلند است!
- (۴) بزرگان نکردند در خود نگاه
خدا بینی از خویشتن بین خواه!

-سراسری-۱۳۹۵

۱۱۵. «دنیا را رها کن تا کسی را که دوستش داری و دوستت دارد ببینی، و او پروردگار تو است!». عین الصحیح:

- (۱) دع الدّنيا حتى تلقى من تحبه و يحبك، و هو ربك!
- (۲) إطرَح الدّنيا حتى تنظر من تحبك و يحبه، و هو ربك!
- (۳) أدعي الدّنيا حتّى تنظري الذي يحبه و يحبك، و هو إلهك!
- (۴) خلّصي من الدّنيا حتى تلقى من تحبها و يحبك، و هو إلهك!

-سراسری-۱۳۹۵

۱۱۶. عَيْنِ الْأَصْحٰخِ وَ الْأَدَقِّ فِي الْأَجْوِبَةِ لِلتَّرْجَمَةِ أَوْ الْمَفْهُومِ أَوْ التَّعْرِيْبِ:

« خَلَقَ اللهُ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضَ بِالْحَقِّ، إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِلْمُؤْمِنِينَ »

- (۱) اللهُ آسْمَانِ وَ زَمِيْنِ رَا بَه حَقِّ آفْرِيْدَه اسْت، قَطْعاً دَرِ آْنِ آسْمَانِ وَ زَمِيْنِ بَرَايِ مُؤْمِنَانِ نَشَانَه اِيْ هَسْت!
- (۲) خَدَاوَنْدِ آسْمَانِ هَا وَ زَمِيْنِ رَا بَه حَقِّ خَلْقِ كَرْدَه اسْت، هَمَانَا دَرِ آْنِ خَلَقْتِ آيْتِيْ اسْت مُؤْمِنَانِ رَا!
- (۳) آفْرِيْدَنْ آسْمَانِ هَا وَ زَمِيْنِ هَا اَزْ جَانِبِ خَدَاوَنْدِ اسْت، هَمَانَا دَرِ آْنِ نَشَانَه اِيْ بَرَايِ مُؤْمِنِيْنِ اسْت!
- (۴) خَلْقِ كَرْدَنْ آسْمَانِ وَ زَمِيْنِ هَا بُوْسِيْلَه يِ اللهُ مِيْ بَاشَد، تَا دَرِ آْنِ آيْتِيْ بَاشَد مُؤْمِنِيْنِ رَا!

-سراسری-۱۳۹۵

۱۱۷. عَيْنِ الْأَصْحٰخِ وَ الْأَدَقِّ فِي الْأَجْوِبَةِ لِلتَّرْجَمَةِ أَوْ الْمَفْهُومِ أَوْ التَّعْرِيْبِ:

" « قَدْ عَاهَدْتِ نَفْسِيْ أَنْ أَعْمَلَ بِمَا أُعِدُّ، وَ لَا أَنْطِقُ إِلَّا بِمَا فَعَلْتِ! »

- (۱) بَا خُوْيِشْتَنْ عَهْدِ كَرْدَمْ كِه هَرْ كَزْ خَلْفِ وَعْدَه نَكَنْمِ، وَ آَنْچَه رَا نَمِيْ تُوَانَمْ اَنْجَامِ دَهَمْ هَرْ كَزْ نَكُوِيْمِ!
- (۲) بَا خُوْيِشْتَنْ عَهْدِ مِيْ كَنْمِ كِه آَنْچَه وَعْدَه مِيْ دَهَمْ اَنْجَامِ دَهَمْ، وَ آَنْچَه رَا عَمَلِ نَمِيْ كَنْمِ هَرْ كَزْ بَرِ زَبَانِ نَرَانَمْ!
- (۳) بَا خُوْدَمْ پِيْمَانِ بَسْتَهَامِ كِه اَكْرِ وَعْدَه اِيْ دَادَمْ حَتْمًا عَمَلِ كَنْمِ، وَ اَزْ كَفْتَنْ چِيْزِيْ كِه اَنْجَامِ نَمِيْ دَهَمْ بِيْرَهِيْزَمْ!
- (۴) بَا خُوْدِ عَهْدِ كَرْدَهَامِ كِه بَه آَنْچَه وَعْدَه مِيْ دَهَمْ عَمَلِ كَنْمِ، وَ قَطْقِ دَرْبَارَه يِ آَنْچَه آْنِ رَا اَنْجَامِ دَاْدَهَامِ سَخْنِ بَكُوِيْمِ!

-سراسری-۱۳۹۵

۱۱۸. عَيْنِ الْخَطِّ:

- (۱) قَالَ الْمَعْلَمُ لِمَتَعَلَّمِيْهِ تَكَلَّمُوا مَعَا بَالْتِيْ هِيْ أَحْسَنُ! : مَعْلَمٌ بَه دَانَشِ آْمُوْزَانَشِ كَفْتِ كِه بَا يَكْدِيْگَرِ بَه وَجْهِيْ كِه بَهْتَرِ اسْتِ سَخْنِ بَكُوِيْدِ!
- (۲) نَحْنُ نَصَلِّيْ اللهُ مُطَالِبِيْنَ الْمَعُوْنَةِ الْإِلَهِيَّةِ مِنْهُ! : مَا نَمَازِ مِيْ خُوَانِيْمِ چُوْنِ اَزْ اَوْ يَارِيْ اِلَهِيْ رَا خُوَاسْتَارِيْمِ!
- (۳) قَلْبُ هَذَا الْمُؤْمِنِ كَأَنَّهُ قَدْ فَرَّغَ مِنْ غَيْرِ اللهِ! : قَلْبُ اِيْنِ مُؤْمِنِ كُوْنِيْ اَزْ غَيْرِ خَدَا خَالِيْ شَدَه اسْت!
- (۴) جَمَالِ الْعِلْمِ وَ الْأَدْبِ زِيْنَةُ لَا تَزُوْلُ! : زِيْبَايِيْ عِلْمِ وَ اَدْبِ زِيْنَتِيْ اسْت كِه زَايِلِ نَمِيْ شُوْد!

-سراسری-۱۳۹۵

۱۱۹. « تُوْبَه كَنْدَه كَسِيْ اسْت كِه وَقْتِيْ مَتُوْجِه شَدِ عَمَلِ اَوْ اَشْتَبَاهِ اسْت، آْنِ رَا بَرَايِ هَمِيْشَه تَرْكِ كَنْد!» عَيْنِ الصَّحِيْحِ:

(۱) إِنَّ اللَّيْئَةَ لَا تَتْرَكَ عَمَلَهَا حِيْنَمَا لَا تَعْلَمُ أَنَّهُ سَيِّئٌ، هِيِ النَّائِبَةُ!

(۲) النَّائِبُ هُوَ الَّذِيْ حِيْنَمَا عِلْمُ أَنْ عَمَلَهُ سَيِّئٌ، يَتْرَكَهُ فِي النَّهَائِيَةِ!

(۳) النَّائِبَةُ مِنْ تَتْرَكَ عَمَلَهَا اِلَى الْاَبْدِ عِنْدَمَا عَلِمَتْ أَنَّهُ غَيْرِ صَحِيْحِ!

(۴) إِنَّمَا الَّذِيْ يَتْرَكَ عَمَلَهُ السَّيِّئِ اِلَى الْاَبْدِ عِنْدَمَا عَرَفَهُ، هُوَ النَّائِبُ!

-سراسری-۱۳۹۵

۱۲۰. عَيْنِ الْأَصْحٰخِ وَ الْأَدَقِّ فِي الْأَجْوِبَةِ لِلتَّرْجَمَةِ أَوْ الْمَفْهُومِ أَوْ التَّعْرِيْبِ:

« بَه دُوْسْتَمْ كِه اَزْ سَالِ هَا پِيْشِ اُوْرَا نَدِيْدَه بُوْدَمْ كَفْتَمْ: آيَا گَمَانِ كَرْدِيْ كِه تُوْرَا فَرَاْمُوْشِ كَرْدَهَامِ وَ يَادِيْ اَزْ تُوْ بَاقِيْ نَمَانْدَه اسْت!»

(۱) قَلْتُ لِصَدِيْقِيْ الَّذِيْ مَا كُنْتُ شَاهِدْتَهُ مِنْذُ سَنِيْنٍ: هَلْ ظَنَنْتَ أَنِّيْ قَدْ نَسِيْتُكَ وَ لَمْ يَبِيْقْ مِنْكَ ذِكْرُ!

(۲) قَلْتُ لِصَدِيْقِيْ الَّذِيْ مَا كُنْتُ أَشَاهَدْتَهُ مِنْذُ سَنِيْنٍ: هَلْ ظَنَنْتَ أَنِّيْ نَسِيْتُكَ وَ مَا بَقِيَ مِنْكَ ذِكْرُ!

(۳) قَلْتُ لِلصَّدِيْقِ الَّذِيْ لَمْ أَشَاهَدْتَهُ مِنْذُ سَنِيْنٍ: هَلْ تَظُنُّ أَنِّيْ قَدْ أَنْسَاكَ وَ لَمْ يَبِيْقْ ذِكْرُ لَكَ!

(۴) قَلْتُ لِصَدِيْقِ الَّذِيْ مَا شَاهَدْتَهُ مِنْذُ سَنِيْنٍ: هَلْ تَظُنُّ أَنْسَاكَ وَ لَمْ تَبَقِ ذِكْرُ لَكَ!

-سراسری-۱۳۹۵